



شورای بیکاران

درس پترزبورگ ۱۹۰۶

سرکئی مالی شف

شورای بیگاران

درس پترزبورگ ۱۹۰۶

سرگئی مالی شف

(کارگر بلنویک)

www.KetabFarsi.com

- تورای بیکاران در سن بطوزبورگ ۱۹۰۶
- نویسنده : سرگئی مالی شف
- چاپ اول : مردادماه ۱۳۵۹
- از انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

این جزوه تحت نظارت انجمن بلشویک‌های قدیمی مسکو
تهیه شده است.

از این جزوه مجموعه (سری) " اعتصاب‌کشی ماهیگیری
در ۱۹۰۵ " نوشته سرگئی مالی شفیو " از انقلاب فوریه تا
انقلاب نوامبر " نوشته ایلین ژنوسکی نیز به چاپ رسیده
است.

انتشارات پرولتری

سانفرانسیسکو

۱۹۷۶

فهرست

صفحه	
۶	یادداشتی برزندگسنامه
۷-۱۱	بیکاری توده‌ای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶ و ایجاد شورا
۱۱-۱۳	گرسنگی در میان بیکاران افزایش می‌یابد
۱۴-۲۰	چگونه شورای بیکاران ایجاد شد
۲۰-۲۳	بیکاران به دومای شهرن پترزبورگ حمله می‌کنند ..
۲۳-۲۵	منشورکها علیه سازمانهای بیکاران بیکار می‌کنند ..
۲۵-۳۱	اولین شکست بیکاران در دومای شهرن پترزبورگ ..
۳۱-۳۳	میزگرد مابورژوازی
۳۳-۳۷	دومای - هر خرج اعتصابات را می‌دهد
۳۷-۴۳	ایجاد کارمکانی بدتاخیر می‌افتد
۴۳-۴۸	سارهم باخیر
۴۸-۵۱	بیکاران برای سومین بار به دوما حمله می‌کنند
۵۱-۵۸	اتهام مسلح شدن به کارگران
۵۸-۶۱	ایجاد کار

شورای بیکاران در سن پترزبورگ در ۱۹۰۶

نوشته: سرگئی مالی شف

سرگئی مالی شف پیش از اولین انقلاب روسیه به سازمان بلشویکی سن پترزبورگ پیوست. از آنجا که یکی از کارگران فعال آن شمار میرفت، لذا مستمرا "تحت پیگرد دولت تزاری بود. در زندان، در تبعید، با زندگی غیر علنی، همواره به کار حزبی خود ادامه داد. در انقلاب ۱۹۰۵، مالی شف در کاستروما که یک مرکز نساجی بود، برای تشکیلات بلشویکی کار مکرر. هنگامی که در ۱۹۰۵ اولین شوروی نمایندگان کارگران کاستروما ایجاد شد، مالی شف به ریاست آن برگزیده شد. زمانی که انقلاب ۱۹۰۵ سرکوب شد، او از کاستروما به سن پترزبورگ گریخت. این جزوه درباره فعالیت او در این دوران است.

محو کامل بیکاری در اتحاد شوروی، سرگئی مالی شف را واداشت که خاطرات مبارزه بیکاران تحت رژیم سرمایه-داری کهنه و منفور تزاری را بنویسد.

یادداشتی بر زندگی‌نامه

سرگئی (مالی شف) در سال ۱۸۸۱ بدنیآ آمد . هنگامی که ۸ ساله بود پدرش دهقانی فقیر از اهالی استان یاروسلاو بود که او را به سن پترزبورگ آورده و به شاگردی به یک دکا دارسپرد . او وقتی بزرگ شد بقول معروف بچه خوبی از آب درآمد .

بهر حال هر چه سن بیشتر می شد ، گرایش به کار در صفت در او افزایش می یافت . سرانجام تصمیم گرفت کارگر کارخانه شود .

مالی شف ، پیش از اولین انقلاب روسیه به سازمان بلشویکی سن پترزبورگ پیوست ، و از آنجا که یکی از کارگران فعال آن سازمان بود ، مکرراً " تحت پیگرد دولت تزاری قرار می گرفت . در زندان ، در راهش به تبعیدگاه ، به هنگام فرار از تبعیدگاه ، یا در ایام زندگی مخفی همچنان به کارحربی خوش ادامه داد .

در روزهای انقلاب ۱۹۰۵ ، مالی شف در کاستروما که یک مرکز نساجی بود با نام " پوزارنی " (مامور آتش نشانی) در سازمان بلشویکی کار می کرد .

در سال ۱۹۰۵ ، هنگامی که نخستین شورای نمایندگان کارگران کاستروما بوجود آمد ، مالی شف به ریاست آن برگزیده شد . پس از سرکوب انقلاب ۱۹۰۵ ، او از کاستروما به سن پترزبورگ گریخت . جزوه حاضر در برگیرنده فعالیت او در این دوره است .

۷ شورای بیکاران

پس از ۱۹۵۸، به سبب بازگشت مجدد اختناق تزاری، به زندگی مخفی روی آورد و سالها مخفیانه زیست. وی یکی از فعالترین شرکت‌کنندگان در انقلاب اکتبر بود و پس از پیروزی انقلاب عهده‌دار مسئولیت‌هایی سنگین و بطور عمده در پست‌های اقتصادی شد. محور کامل بیکاری در اتحاد شوروی وی را بر آن داشت که خاطرات مبارزات بیکاران در رژیم سرمایه داری کهنه و منفور تزاری را به رشته تحریر درآورد.

شورای بیکاران سن پترزبورگ در ۱۹۵۶ بیکاری توده‌ای ۱۹۵۵-۱۹۵۶ و ایجادشورا

بیست و سیج سال پیش، در آوریل ۱۹۵۶، نخستین شورای نمایندگان کارگران سن پترزبورگ و همچنین پیام مسلحانه مسکو توسط دولت تزاری سرکوب گردید. در آن زمان مسلمانان - گروهی از کارگران و روشنفکران بلشویک - ما به تصمیم تشکیلات حزب بلشویک، دسته‌به‌دسته ایجاد یک سازمان انقلابی پرولتری جدید زدیم. ما توده‌های احراقی بیکار را سازمان داده و برای این ارتش، یک ستاد کن - شورای بیکاران سن پترزبورگ - را ایجاد کردیم. حزب برای سازماندهی بیکاران در دیگر مراکز صنعتی از قبیل مسکو، ادسا و غیره نیز تلاش کرد. اما عمر این سازمانها کوتاه بود و آنها در پایان سال ۱۹۵۶ سرکوب شدند. لکن در سن پترزبورگ، تشکیلات بیکاران بیش از دو سال با سرژواری و دولت جنگد و تنها در ۱۹۵۸ بود که توسط پلیس مخفی و ژاندارمها از هم پاشیده شد.

بیست و سیج سال پیش بطور ممنوعی به بیکاری در روسیه تزاری دامن زده شد، ما به کارگران انقلابی درسی داده‌شود.

۸ شورای نگهبان
در اواخر سال ۱۹۵۵ در پی اخراج کارگران زده و نیمام
کارخانه و واحدهای سوسیالیستی اعم از دولتی و خصوصی را به
حالت معسر درآوردند. به این ترتیب، دولت و بورژوازی
صدها هزار کارگر و خانواده‌هايشان را در سن بطرز سورگ،
مکو، اورال، چارکف، ادسا و دیگر شهرها گرفتار جنگال
معر و غرسگی کردند. اما حکام روسیه به این سیز راضی
نشدند. آنان شعواره در محتوی راهپای جدیدی برای تسمیه
برونسارای اعطای نمودند. اخراج کافی نبود. دولت بایدهای
مرفهانه مدد سادف را سازماندهی و بحریک میکرد. تا با
سنگ و سمه سازمانهای کارگری و محل سکونت کارگران
جمع کند.

سرت در تمام نواحی سن بطرز سورگ و دیگر شهرها
سرد حریان داشت. اما فعالیت بایدهای مد سباه تنهها
سبب شد که کارگران، سازمانهای دفاع از خود را تعویبت
کرده و افراد بایدهای مد سباه را سزاکنده سازند.

اخراج کارگران که از اواخر ۱۹۵۵ در سن بطرز سورگ
آغاز شده بود، تا آوریل ۱۹۵۶ ادامه یافت. هدا سبب این
حریان را حکمرایان روسیه و رهبران اصلی صعب، ریاسوشنکی
گوکازوف، بویل، دی زوف و دیگران بر عهده داشتند؛ و
طبعاً این شیوه و سایر شیوه‌هایی که برای بیگنار علیه
طبقات زحمکرو دادن درس عمری به آنان نگار گرفته شد،
به نحو احسن سازمان یافته بود.

در آغاز، شورای نگهبانگان کارگران مسئولیت دهها هزار
کارگری را که در نتیجه اخراج به حیاتیانها ریخته شده بودند،
بر عهده گرفت. اما به محض تکمیل شورای بیگناران سن سورا
(سازماندهی) حسن بیگناران را بر عهده گرفت. از تمام
کارگران اخراجی سببام کرد. سببام مذکور اس واقعیت
را بیان داد که ۵۲ درصد کارگران اخراج شده را کارگران
سزار ماهر و کارگران فلرکار، ۱۸ درصد آنها را کارگران

ماهر ناسسات، بخارا، سنگ کار و سایر مشاغل و سبها ۲۱ درصد آنها را کارگران معمولی تشکیل میدادند. اس ارقام نشان میدهد که سرمایه داران خشم خود را بر آشپاشی کرده اند که در صفوف مقدم طبقه کارگر می جنگیده اند.

شورای نمایندگان کارگران در ابتدا با مشکل یافتن راهی برای کمک به بیکارانی که گرسنه و فقرزده بودند، روبرو شد. ماههای نخست، یعنی اکتبر، نوامبر و دسامبر ۱۹۰۵، اخباراً تا حد زیادی به مسائل مربوط به بیکاران تخصیص یافت. هر چند مساله از نظر سیاسی اهمیت داشت، لکن گرسنگی نتوانسته بود اراده پرولتری برای مبارزه را در هم شکند. روز بروز بیشتر احساس میشد. تقریباً در تمام جلسات روزنامه مرکزی، سئوالاتی درباره چگونگی کمک به بیکاران مطرح میشد.

با به پیشنهاد گروه بلشویکی شورای نمایندگان کارگران، کمیسونی از بیکاران تشکیل شد که شعبه‌هایی در سراسر نواحی کارگری سن پترزبورگ ایجاد کند. کمیسیون مذکور قطعنامه شورای نمایندگان کارگران مبنی بر کسر یک درصد از دستمزد تمامی کارگران کارخانه‌ها، واحدهای تولید و دیگر موسسات به نفع بیکاران را به تصویب رساند؛ سپس به جمع آوری کمک‌های داوطلبانه در تمام جلسات و گردهمایی‌ها پرداخت. این اقدام و اقدامات مشابه دیگر، حدود دهها هزار روبل در اختیار شورای نمایندگان کارگران و کمیسیون‌های آن قرار داد و این امکان را برای کمیسیون بیکاران فراهم کرد که گامهایی جدی برای کمک به بیکاران بردارد. چندین سالن غذاخوری در نواحی مختلف سن پترزبورگ باز شد. به کارگران مجرد در سالن غذا داده و به کارگران ماهر شام میدادند تا به خانه‌شان برسند. علاوه کمیسیون بیکاران به کارگران و خانواده‌هایشان کمک مالی می کرد. روزانه ۲۰ کوپک برای افراد بالغ و ۱۰ تا ۱۵ کوپک برای

۱۵ شورای بیکاران - گروههای لیسرال نیز به سمب سردیکی استعانت
دومای انالشی و به منظور بهره برداری سیاسی از کمک به
بیکاران - سهارخوری هائی در سن بطرز بزرگ برای بیکاران
احداث کردند.

شورای نمایندگان بیکاران در مبارزه سیاسی و اقتصادی
خود سوجیش را به دوماى شهر^{۱۳} سن بطرز بزرگ معطوف کرد.
شورا، قطعنامه زیر را که میبایست توسط هیات ویژه ای از
شورای نمایندگان کارگران در دوماى شهر ارائه شود تصویب
کرد:

- ۱ - دوما باید جهت تامین مواد غذایی برای توده های
بیکار کارگر اقدامات فوری بعمل آورد.
 - ۲ - برای برگزینی حساب باید با احتیاطهایی را (به
کارگران) اختصاص دهد.
 - ۳ - باید اعرام زاندارم، پلیس و عمده را به داخل
ساختمانها قطع کند.
 - ۴ - باید ریز مخارج مبلغ ۱۵۰۰۰۰ روسی
را که برای کارگران ناحیه نارووسکی دریافت کرده است،
ارائه دهد.
 - ۵ - باید مبلغی از بودجه را که در اختیار دارد برای
رفع نیاز کسانی که در راه آزادی پرولتاریا بیکار
کرده اند و دانشجویانی که به سوی پرولتاریا رفته اند
بپردازد.
 - ۶ - برای تخلیه تاسسات آب شهر از وجود سربازان، اقدامات
فوری بعمل آورده و ساختمانها را در اختیار کارگران
قرار دهد.
- شامزدهم اکتبر، ساعت ۲ بعد از ظهر، هنگامی که هیات
نمایندگی شورای نمایندگان کارگران به دوماى شهر

لمسی به آن پیوستیم، متفاوت بود. گرسنه بودیم دلمان
مخواست برای خوردن غذا به مغازه فلیمووز برویم. ولی
بسیار بازرسی حسابان متقاعد شدیم که باید از این
لذت حشم بسوزیم.

در حالی که در طول نووسکی سره مردم، سوزوهای
سر و خوشحال را تماشا میکردیم. بعضی از آنها - از مراتب
بالتر - پیوار کالسکه‌های محلل دارای سان جاوادکسی
بودند که توسط یک یا دو اسب عالی کشیده میشد، و بعضی
از مراتب پایین تر، بناده در طول نووسکی قدم میزدند و
سادووانا و خیابان کاسین و مرکز شهر را سرگردان بودند.
آنان به درون معازها میرفتند و با دستان بر خارچ
میشدند و حیوانات سرخوس از این خریده‌ها والدینشان را
دستمال خود به سوی خانه‌هاشان میکشیدند. تمام آن چیزهایی
که در این معازها، دکه‌ها و ایستگاهها توسط سروانارسانا
تولید شده بود، کاملاً در دسترس سوزووازی بود. ما در
خیابان نوکی از حدس چهارراه گذشتیم، ولی فقط
توانستیم از معازد بولوووف دیدن کنیم. ما نتوانستیم به
داخل برویم و حتی یک چهارم پوند سوسس بحرم، زیرا
بروسدگان سر بولوووف ناخر حاضر به فروش مفاد بر کم
بروسس بودند و از این گذشته، قیمت سوسس با بوجه ما
همانک بود.

سرای آکد دی دلان را حالی کنیم. سراسری کنیم
دسپانمان را به هم حلقه کردیم و از نوکی دود گرفتیم
دور شدیم. از کوچه‌های تاریک گذشتیم و بالاخره در خیابان
سایس به یک رسوران ارزان رفتیم و در آنجا با سوسی
سراسی به قیمت دو کوبک خود را سر کردیم.

چگونه شورای بیکاران ایجاد شد

ساعت ۸ همان شب در یک خانه روستائی در لنسی دور هم جمع شدیم. در آنجا نمایندگان که قرار بود مساله کمک به بیکاران را بررسی کنند، جمع شده و منتظر نماینده گروه بلتویکی سن سوز سورگ بودند. اس رفیق در عین حال رئیس کمیسیون بیکاران بود. ضمن انتظار کشیدن با وضعیت جامعه آشنا شدیم. اکثر نمایندگان، اعضاء محفل های بلتویکی ما بودند. البته همه آنها، چون فعال ترس کارگران بودند از کارخانه ها بیرون رانده شده و در لبت سباه بودند. اما فضاچه داستان همان بود که گوئی اس آنها و خانواده ها - هاسان بودند که به جاساسا رهنه شده بودند و گرسنگی میکشیدند. ما رگسسم به آنها آموخته بود که برعم همه اعضاء خود را کمربند کرده و هرگز سر فرود نیاورند. رئیس کمیسیون وارد شد، به ما خوش آمد گفت و سپس به سوی دانشجویی که آنجا استاده و میزبان ما بود رفت. او صحبت استعدا در صورت جمع بلتس با زاندارم همه چیز در نظر گرفته شده با به، دانشجوی ژولنده موی آموزشگاه لنسی برای یک ناسه از پنجره به درون باغ نگاه کرد. و سپس به وی اطمینان داد که برای شرایط اضطراری همه چیز در نظر گرفته شده است. در باغ و بارک نگهبانانی مستقر شده بودند که به محض نزدیک شدن پلیس ما را در جریان مگذارند و ما ممنواستیم فرار کنیم. رئیس کمیسیون بیکاران لمحنندی زد و گفت اطمینان داشته باشد که شما را به زاندارمها دستگیر خواهند کرد و نه پلیس. زیرا باید در زندان به شما غذا بدهند و سرمایه داران اخراجتان کرده اند. نا اینکه از گرسنگی بمیرید، ما به مساله روز

۱۱ شورای بیکاران
رسید، در مدخل ساختمان ورودی پلکان دوما سادسته‌های
بزرگ پلیس مسلح و سربازان روبرو شد. اعضاء انجمن
شهر تلفنی از بسپهاد بازديد هيات اعزامی شورای
نمایندگان کارگران مطلع شده و به جلسه نیامده بودند.
در عوض تعدادی از اعضاء کمیته دوما، نمایندگان
را بیدر فتنه به سخنان آنان گوش فرا دادند، از آنان
خواستند که خارج شوند و سپس در غیاب آنان تصمیم به
رد تمامی درخواستها گرفتند.

جز این انتظاری نپذیرفت، شهردار، کارکنان اداری و
اعضاء دومای شهر، همگی سرمایه داران قدرتمند و با
نمایندگان آنان (یعنی وکلا، مدیران کارخانه‌ها و
واحدهای تولیدی، مالکین، فصات و دیگر مقامات بودند.
درست همانهایی که کارگران را اخراج کرده بودند.

گرسنگی در میان بیکاران افزایش می یابد

در ژانویه ۱۹۵۶، بیکاری، سراز و گرسنگی بار هم
افزایش یافت. کمسیون نهمه علی بیکاران با دشواری به
کارش ادامه میداد، زیرا بولی در اختیار نداشت. تقریباً
دیگر بولی نرسید و کارگران اخراجی آخرس ما سملک خود را
فروخته و بالاخره با گرسنگی روبرو شده بودند.

سراز شکست قیام در مسکو و دیگر شهرها محور سه
ترک کاستروما شدم، در کاستروما فعالیتهای تروریستی
باندهای مد سیاه و نیروهای مسلح، شورای نمایندگان کارگران
را محور کرده بود که به فعالیتهای علی خود خاتمه داده
و زیر زمینی (مخفی) شود و من - رئیس آن - ناچار به
اختفا شدم. من، روی سقف یک لکوموتیو، با یک کت و کلاه
چرم، با هیره‌ای گرفته، توسط چند تن از رفقای کارگرم

در راه آهن، از کاسروما خارج شده، تصمیم داشتم به سن بطرز سورگ محل استقرار مرکز حزب سوسیوگ پروم، رراسسار ضروری بود که گزارش دقیق همه کارها (به حزب) داده شود. علاوه، سن بطرز سورگ - ساختت سرولستری - مکان ماستری برای رسیدگی محفی بود. زیرا در آنجا درکارخانه کار کرده و کارهای حزبی محفی نیز انجام داده بودم. برای من، محفی بدن و غذا کردن حاسی برای خواب در آنجا ساده تر از شهرهای دیگر بود.

هنگام ورود به سن بطرز سورگ، ملاقاته خود را به سنادهای سازمانی حزب معرفی کردم و سراسر ملاقات سنا رهبران حزب به صاحب وی سورگ رفتم. در آنجا یکی از رفقای حوم را ملاقات کردم. سمون لوکتفک کارگر سوسیوگ محفی. او نیز هفده پیش از صاحبی که حوادث انقلابی بزرگی در آن روی داده بود به سن بطرز سورگ آمده بود و نا آن زمان موفق شده بود از تمام احبار با خبر شود. او بد من گفت که رهبران حزب تصمیم گرفته اند از حبش بکاران که در آن زمان تازه آغار شده بود، کاملاً شناسایی کنند. او مرا دعوت کرد که همان شب به جلسه نمایندگان سازمانهای سازمانی سگاران که در محله لنسی برگزار میشد، بروم. یکی از انتقاء کمیته حزب، رفیق کرسکی فرار بود در این جلسه برای گروه سوسیوگهای سن بطرز سورگ صحبت کند. ما نا بروز جلسه حدود ساعتی وقت داشتیم. سراسر در طول بطوار سوسیوگکی قدم زدیم و تحریکات مربوط به حوادث گذشته را با هم در میان گذاشتم. میخواستم به یک آنحو فروسی بروم. اما وضعیت مالی ما و پرس از حاسوسان، ما را از این کار بازداشت. حوار یک واگن بقلبه شهری ندیم و به مرکز به حوار سوسیوگکی رفتم. هنگامی که از لنسی بی عبور میکردیم، از ضعه بالای واگن جمعیتی را که در حرکت بود مشاهده میکردیم. جمعیتی که کاملاً با گروهی که کمی عدد در

پرداختیم. رفیق بلشویک ما گزارش خود را در مورد شرایط بنکاران شروع کرد. صندوق بنکاران به کشته بود. سهم پرداختی از دستمزد در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی داشت متوقف میشد. زیرا کارفرمایان مانع جمع‌آوری (سول) شده بودند و در بعضی جاها به ماموران دستور داده بودند که سول کسر شده را به شورای نمایندگان کارگران ندهند. وضع در ناحیه‌ها بسیار بد بود.

سخنران رو به نمایندگان کرد و گفت: " ما معتقدیم اس‌را شما خودتان خوب می‌دانید، اما باید بساد داشته باشید که خطر ادامه چنین وضعی وجود دارد. افراد و کلبه گروههای کارگران " نامطلوب " را از کارخانه‌ها و کارگاهها اخراج میکنند. بنکاران هرچه را داشته‌اند، اعم از بوشاک و دیگر اشیاء به درد بخورشان را، در این مدت با فروخته و یا به گرو گذاشته‌اند. موعد از گرو خارج کردن این اشیاء نزدیک میشود و پولی در سباط نیست که بتوان آنها را از گرو درآورد. همه چیز دارد از دست میرود. صاحبخانه‌ها، کارگران و خانواده‌ها سان را سرچمانه به حیسان همسایه می‌ریزند. در تمام نواحی کارگری هزاران نمونه این کارها را میتوان دید.

سخنران در حالی که نوشته‌ای را به دماغ قلمی اش نزدیک میکرد، خواند: " ما نمیتوانیم با این خانواده‌های بنکاران که به حیایانها ریخته میشوند، کمک کنیم. در حساب کارگران، اتحادیه‌ها و دانشجویان، قدری اعانه برای بنکاران جمع آوری شده است، اما این مبلغ آنقدر ناچیز است که با آن کار اساسی نمیتوانیم بکنیم. شورای نمایندگان کارگران و برخی از گروههای لیبرالسی در تمام نواحی ناها رجو ریهائی باز کرده‌اند. آنها حدود دهها هزار نفر را غذا میدهند. اما همین‌ها هم ممکن است تعطیل شوند، زیرا لیبرالها که برای انتخابات دومسای

۱۶ شورای بیکاران - میکنند، بزودی کمک مالی به آنها را
فعالیت (سلسلانی) در سن پترزبورگ ۲۴ ناهارخوری
مطرح خواهند کرد، مجموعاً در سن پترزبورگ ۲۴ ناهارخوری
کارگری وجود دارد که روزانه ۹۴۵۳ وعده غذا به بیکاران
میدهند. " ناهارخوریهای ناحیه میکو روزانه ۴۵۰ وعده غذا
میدهند، در آرووسکی دو ناهارخوری روزانه ۰۳۸۵ درگودسکی
۴ ناهارخوری روزانه ۰۱۱۰۰ در واسیلوستراسکی ۴ ناهارخوری
روزانه ۰۱۲۵۰ در ناحیه سن پترزبورگ ۲ ناهارخوری روزانه
۰۵۵۰ و در ویسورگ ۲ ناهارخوری روزانه ۴۵۰ وعده غذا
میدهند.

بسیار آنکه سخنران خواندن ارقام را بسیار رساند،
تا کند کرد که نمایندگان بلافاصله در هر ناهارخوری کمیسوسی
از بیکاران تشکیل دهند، که به آنها به حسابها رسیدگی
کند، بلکه ناهارخوری را از نظر مالی نیز هدایت کرده و
مطور کلی آنرا اداره نماید. سپس سخنران اظهار داشت که
شرایط بیکاران در این لحظه اگرچه سخت است اما ناامید
کننده نیست.

رهبری گفت: " گروه بلشویکی که هم اکنون هم تمام
آن، سخن میگویم، از جنبش بیکاران پشتیبانی میکند و ما را
سازی میکند که خود را بصورت یک تشکلات فوی سازمان دهیم،
بسیار ضروری است که تمام بیکاران را متشکل کرده و ارگان
رهبری کنند - شورای بیکاران - را بوجود آوریم. این
نوعاً باید به کمک بیکاران، مبارزه برای بهبود وضعیت
بیکاران را آغاز کند و آنها نه تنها از راه توزیع غذا و
روزی سه کوپک پول، بلکه از طریق وادار کردن دومای شهر
به نامس کار همگانی وسیع برای بیکاران، بیکاران گدا
بسیار، آنان صدقه نمیخواهند، آنان خواستار نان و کار
هستند. این مساله باید به گونه ای برای دومای شهر مطرح
شود که پشتیبانی تمامی کارگران کارخانه ها و واحدهای
پولیدی را جلب کند.

شهر باید برای همگان کار ایجاد کند، از این شروع کار در شهر به اندازه کافی باید میشود. و هم اکنون به بیمه‌کاران مختلفی که رشوه‌های کلان به اداره کسب‌کار شهر می‌دهند، داده می‌شود. ماهرترین کارگران را در همه زمینه‌های می‌توان در میان نیکاران یافت. آنها قادرند هر نوع کاری را انجام دهند. شهر قراردادهایی دارد که برای رفاه عمومی اساسی است. برای نمونه ساختمان مترو. شهر تصمیم گرفته است در شبکه‌ها را با انوس برق عوض کند و مادره انجام این کار خواهد بود. مگر اینکه خیابانها سنگریز شوند. این امر امکان ایجاد کار همگانی را برای نیکاران فراهم میکند. ما باید به گونه‌ای حرکت کنیم که شهر این کار همگانی را سامان دهد. بنابراین پیشنهاد میکنیم که تمام پیشنهاداتی را که (ارائه) داده‌ام - و در جلسه مورد بحث قرار گرفته و به تصویب رسیده - به اجرا درآید. زیرا فقر و گرسنگی انتظار برش نمیشود.

نماینده‌گان، ماکت و با توجه به سخنران گوترمندادید. وقتی سخنان او به پایان رسید، دیگران بلند شدند و صحبت کردند. هر یک از حاضرین از پیشنهاداتی که توسط مشکلات بلشویکی ارائه شده بود استقبال کرد و به اعمال و روشی در مورد حکومتی نفع آنها سخن گفت. همه پیشنهادات سخنران به اتفاق آراء تصویب شد. تصمیم گرفته شد که از طریق انتخابات در باها رجورسها، حاشی که نیکاران علی‌الحد می‌خورند، یک شورای نیکاران ایجاد شود. گروهی از بلشویکها کارگر مأموریت یافتند که برای این کار تبلیغ کنند و انتخابات را به انجام رسانند. قرار بر آن شد که نورا از سی نماینده نیکاران تشکیل شود. همچنین تصمیم گرفته شد که اعلامیه‌هایی چاپ شود و در آن نیکاران به تشکیل فوری، بعنوان تنها راه خلاصی از وضعیت موجود، دعوت شوند.

۱۸ شورای بیکاران
این فراخوان جاب شد. گروه بلشویکی کارگران، واقعا
! هر استانیات شورای بیکاران را در مدتی کوتاه معکس
گرداند و بی معاسده بیکاران برای شورا انتخاب شدند
پس از چندین روز اولین جلسه نمایندگان برگزار و طبق
گرمسکی به ریاست (شورا) انتخاب شد.

اولین چیزهایی که مورد بحث قرار گرفت، اهداف و
آرمانهای تشکلات بیکاران بود. کتاب ربر به اتفاق آراء
تصویب شد:

۱ - اهداف و وظایف شورای بیکاران عبارتست از هدایت
بیکاران برای خلاصی از وضعیت غیر قابل تحملی که
دارند.

۲ - مرم نرس و طبعه شورا و داشتن شهر به اتحاد کار
همگانی برای تمام بیکاران است.

۳ - شورا موظف است بیکاران را حول این اهداف بر اساس
خواستهای مشترکشان بسیج نموده و نرس را
نمایندگان را به دومای شهر بدهد و بطور مستمر در
حستجوی وسائل دیگری برای تاثیر گذاردن روی دومای
شهر باشد.

پس از باره ای سئوالات تشکیلاتی و پیشنهاداتی در مورد
گامهای بعدی شورا، اولین جلسه خاتمه یافت.

روز بعد از جلسه شورای نمایندگان، من و رفیق
گرمسکی نزد لیس رفتیم تا گزارشی از آنچه را که برای
اجاد شورای بیکاران انجام داده بودیم به او ارائیه
دهیم. ولادیمیرا بطیح پس از گوش دادن به سخنان ما گفت
تردید دارد که شورای بیکاران بتواند بر نامه هایش را به
تنهایی تحقق بخشد.

لیس گفت: "تنها از طریق این تشکلات نمیتواند
روی بورژوازی اثر بگذارید، به اندازه کافی بیروخواهند
داشت و کارگران بیکار خود قادر نخواهند بود این کار را

در سطح کل طبقه کارگر گسترش دهند. بیکاران باید سی درک شورای بیکاران را گسترش دهند تا نمایندگان شاغلین در تمام کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی سن پترزبورگ را (نیز) در بر گیرد. شما باید هم‌اکنون برای این هدف در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی شروع به تبلیغ کنید و بلاواسطه ترسب انتخابات این نمایندگان را بدهید. شورای بیکاران باید دارای، به تنهایی ۳۰ نماینده از بیکاران، بلکه از ۱۰۰ تا ۱۵۰ نماینده از تمام نواحی، از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی باشد. این امر به بیکاران بکارگران رهبری واقعی برولتری خواهد داد، ارگانی که واقعا قادر خواهد بود با موفقیت در دومی شهر و کل سورژوازی فشار بآورد.

در جلسه بعدی شورا که فراخوان به دوما تنظیم شد، تصمیم گرفته شد که طبق پیشنهاد لینن، انجمن بیکاران ۳۰ نماینده از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی بزرگ را در بر گیرد و انتخابات در میان شاغلان در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و کارگاهها برگزار شود. شورای بیکاران بزرگتر شد و در نواحی سوئکی، مسکو، تاروسکی و استروئوسکی، بطرز بزرگ، وی سورگ و کالینین سورژواژی ایجاد شدند. برای شورای بیکاران شهر، کمیته اجرائی و مجمع عمومی در نظر گرفته شد.

نمایندگانی که در مجمع عمومی توسط بیکاران ایجاد شدند، برای هر ۲۵۰ کارگر یک نماینده و نمایندگان نواحی دارای کارخانه و واحدهای تولیدی، شوراهای ناحیه‌ای را تشکیل می‌دادند. شوراهای ناحیه‌ای، سازمانها را اداره می‌کردند. در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی بول جمع آوری می‌کردند، از بیکاران ثبت نام می‌کردند، کمک مادی می‌کردند و غیره. و بطور کلی تمام تبلیغات برای مبارزه بیکاران و کار، در ناحیه‌ها بر اساس رهنمودهای مجمع عمومی شهری

کمیته اجرائی از سه نماینده از هر شورای ناحیه ای، سه نماینده از سیکاران، و سه نماینده از ساغان سیکاران تشکیل شده بود. کمیته اجرائی وظیفه داشت با ارگانهای دوما در تماس باشد. همه مسائلی که فرار بود برای بحث در شورای سیکاران مطرح شود، ابتدا توسط کمیته اجرائی که مدرب اجرائی تصمیمات عمومی انجمن را داشت، بررسی میشد.

سیکاران به دومای شهر سن پترزبورگ حمله می کنند

حزب رهبری منقسم حزب بلشویک، شورای سیکاران سن پترزبورگ شروع به تدارک اولس سباح علییه دومای شهر سن پترزبورگ کرد. مسئول حزب سیکاری کامل توده های کارگر از سیکاران برای حمله به دومای شهر، لازم بود مقدماتی فراهم شود. شورای سیکاران علاوه بر تبلیغ در ناحیه ها، در انتشار تعدادی فراخوان خطاب به ساغان و نیز سیکاران رده.

عریضه ای با عنوان الحس برس کلمات سرولتری - بلشویکی خطاب به دومای شهر سن پترزبورگ تهیه شد. این عریضه توسط شورای سیکاران مورد بحث قرار گرفت. تصویب شده و به تمام کارخانه ها و واحدهای تولیدی سن پترزبورگ و حومه ارسال گردید تا مورد بحث کارگران قرار گیرد و امضا شود. البته بحث فراخوان کارخانه ها، در جلسات عمومی کارخانه، صورت مکتوب. اما علاوه بر این در نشریه سرولتری (کارگری) ما بحث در روزنامه ای که تحت کنترل مسویکها بود، سر مورد بحث قرار مکتوب، بلشویکها (اسرا بعدها انساب خواهم کرد) با بیشترین انرژی با

شورای بیکاران مخالفت میکردند و کار ما را در زمینه سازماندهی بیکاران در هر گام مختل مینمودند. نمایندگان شورای ما فرار بود روی قرائت عریضه در جلسه دومای شهر، بیش از شروع رای گیری اصرار ورزیدند. عریضه بدستقرار بود:

" بر اثر بیکاری، هم اکنون تعداد بیشماری از خانواده های کارگران بدون نان مانده اند. کارگران صدقه با خسرات نمیخواهند. ما کار میخواهیم. اربابان از دادن کار به ما امتناع میورزند. اما شهر قراردادهایی دارد و می تواند برای بیکاران کار فراهم کند. بنظر ما نحوه خرج بست - المال شرم آور است. بول مردم باید صرف نیازهای مردم شود و نیاز امروز ما کار است. بنابراین ما خواهان آنیم که دومای شهر بیدرنگ برای تمام نیازمندان کار فراهم کند. ما صدقه نمیخواهیم، بلکه حقمان را میخواهیم و با صدقه راضی نخواهیم شد. کار همگانی که مورد درخواست ماست باید بیدرنگ آغاز شود. تمامی بیکاران سن بطرز بزرگ باسند اجازه داشته باشند این کار را انجام دهند. هر کارگریکار باید دستمزد کافی دریافت کند. ما نماینده شده ایم برای آنکه روی تحقق خواسته هایمان با فشاری کنیم. توده هایی که ما را فرستاده اند به کمتر از این راضی نخواهند شد. اگر شما با خواسته های ما موافقت نکنید ما گزارش امتناع شما را به بیکاران خواهیم داد و آنگاه شما را ما سر و کار نخواهید داشت، بلکه ما آنها که ما را فرستاده اند، توده های بیکار، سر و کار خواهید داشت."

عریضه، پشتیبانی کامل تمامی کارگران کارخانه ها و واحدهای تولیدی را جلب کرد. در جلسات عمومی مورد بحث قرار گرفت و سپس در کارگاهها امضاء شد. سخنرانی به کارخانه ها، (حاشی) که پس از قربانی شدن و اخراج (کارگران) تنها کارگرانی با آگاهی طبقاتی کمتر باقی مانده بودند، اعزام شدند. سخنرانان ما با گروه های بیکاران مسرفتند،

۲۲ شورای بیکاران
کارگران را هنگامی که برای شام کارخانه را ترک میکردند
و با در شب، هنگام تعمیر صنعت، موقوف میکردند و جلساتی
در مورد مسائل بیکاری و کمکی که باید به بیکاران کرد،
در مسائل کارخانه برگزار میکردند. جلسات همواره موفق
بودند. قطعنامه‌های کوباهی در مورد ضرورت کمک به بیکاران
تهیه و برای عربصه، امضا، جمع آوری میشد.
اما شورای بیکاران، علاوه بر اعتلاء روحیه توده‌های
کارگر که بدون تردید در احیای موفق بود، محور بود
حواستگمک به بیکاران را در گروه‌های حرده روزوا ساز
ساز کرد. شورای بیکاران موفق شد تعدادی از روزنامه‌های
لیبرال من سطرز بزرگ را به اس کار علامت کند. رفتاری
که ارتباطی با لیبرالیتهای اس روزنامه‌ها دانستند، مأموریت
داشتند که با لیبرال برسی آنها صحبت کنند و از آنها بخواهند
که با نویس مقالات و اطلاعاتی در روزنامه‌ها نشان کمک
کنند. روزنامه ناورسی که در آن زمان کوسکوا و سروسج
در آن کار میکردند، روزنامه روسی که سر لیبرال سوورین
آسرا، اداره میکرد، سوورموی اسلور روزنامه کادسها وحی
روزنامه برسوکا همگی اطلاعاتها و مقالاتی در مورد جنبش
بیکاران نوشتند و در آنها از اتحاد کار همگانی وسع،
سیاسی کردند. آنها از بیکاران به خاطر اس نظر
سیاسی کردند که حواستگمکان حرده روزوازی آنها فشار
زیادی برای احیای اس کار به آنها آوردند. ارض صدها
هزار بیکار به حرده روزوازی حسداری جدی داده بود. آنها
معتقدند که اس توده وسع مردم کرسه، امراض مختلفی
را میسر خواهند کرد که بدون تردید اسد معاملات حره،
کارگران دفانس و عسره را که از طریق کارشان با آنها در
بغاس هستند، آلوده خواهد کرد.
رئیس کمیسیون دوما کوب: " کمک به آنها از نظر
مناقص کارگران، بلکه برای حاضر سلامت تمام جامعه ضروری

است؛ میدانیم که تبفوس (حصه) که از زیر زمین ها و پستوها شروع میشود در میان گروههای بالای اجتماع نیز قربانیان بسیاری میگیرد. از سوی دیگر، دورنمای مری ناشی از گرسنگی ممکن است مردم فقیر زده را به کارهای افراطی بکشانند. از این نظر ضروری است که هم اکنون با آنها کمک کرد. کمکی که اگر در شود، شاید براسمان گران تمام شود. "

همدردی با جنبش بیکاران هر روز در تمام نواحی، کارخانه ها و واحدهای تولیدی افزایش می یافت. هسته شورای بیکاران در تمام کارخانه ها و واحدهای تولیدی شکل گرفت. شوراهای ناحیه ای تشکیل شد. کمیته های منظم برای بررسی شرایط بیکاران و کمک به آنان در مبارزه شان علیه دوامی شهر، بوجود آمد.

منشویکها علیه سازمانهای بیکاران بیکار میکنند

اما در این مقطع (زمان) ما خود را مواجه با دشمنی غیر منتظره، منشویکها با این کار پرولتری یافتیم. منشویکهای کمیته حزبی سن پترزبورگ - در آن زمان بلشویکها و منشویکها متعلق به یک حزب بودند - به محض اینکه دیدند نفوذ قابل ملاحظه ای در میان توده ها کسب کرده ایم و ارگانی که صلاحیت رهبری توده ها را دارد ایجاد کرده ایم، شروع به مخالفت با ما، بویژه با شورای بیکاران کردند. آنها در تمام نواحی علیه ما دست به تبلیغات زدند و تلاش کردند تشکیلات بیکاران را مختل کرده و یا حداقل توسعه آنها متوقف گردانند. اما تلاشهای منشویکها در نواحی کارگری با شکست کامل روبرو شد، زیرا پیش از آن ما در

۲۴ شورای سکاران
آنجا تشکلات قوی ایجاد کرده بودیم و یک کارگر، حتی با
گرایشات منشویکی نیز از آنان پشتیبانی نمیکرد. در تمام
حساب‌گذاری در کارخانه‌ها و در ناحیه‌ها، هر بار که
سحرانسان منشویک به شورای سکاران حمله میکردند، هو
میتدند. بعد آنها نبردهای منشویکی خود را به ارگان
رهبری حزب، به کمیته سن پترزبورگ که تصادفاً در آن
اکثریت ناچیزی داشتند، منتقل کردند. در بحث‌هایی که در
اسر مورد در کمیته در گرفت، منشویکها اظهار نظر کردند
که شورای سکاران به رهبری بلشویکها، کارگران را به
اعمال سی‌موقع ترغیب میکند، و اینکه سازمان سکاران یک
شیرین کاری بلشویکی است. عریضه ما که پیش از آن در
تمام نواحی و کارخانه‌ها حریجه و هزاران امضاء جمع کرده
بود، در جلسه کمیته سن پترزبورگ مورد بحث قرار گرفت.
منشویکها درخواست کردند که جملات آخر عریضه: "اگر
شما با خواستهای ما موافقت نکنید، ما گزارش امتناع شما
را به سکاران خواهیم داد و آنگاه شما با ما سر و کار
نخواهید داشت، بلکه با آنها که ما را فرستاده‌اند،
توده‌های سکار، سر و کار خواهید داشت" حذف شود. سپس
قاطعانه خواستار آن شدند که از رفتن نمایندگان سکاران
به دومای شهر ممانعت بعمل آید. آنها با درخواست ایجاد
کار همگانی نیز مخالفت کردند، زیرا بنظر آنان دومای شهر
نمیتوانست به سکاران کار بدهد، این کار را باید دولت
اسلام می‌داد. منشویکها همچنین با انتخاب نمایندگان از
کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی برای شورای سکاران سخت
مخالفت کردند، زیرا در این امر احیاء شوراهاى نمایندگان
کارگران را میدیدند. در خاتمه، رهبران منشویکها اصرار
داشتند که کمیته سن پترزبورگ مانع از کار کردن سکا
بلشویکها در میان سکاران و توسعه و تقویت این تشکیلات
شود و در صورت پافشاری ما در این زمینه از حزب اخراج

شورای بیکاران ۲۵
شویم. رهبران بیکاران به کمیته گفتند که چنین تصمیمی
نه تنها به پرولتاریا کمکی نخواهد کرد بلکه به آن زیان
خواهد رساند. بهر حال آنان تسلیم چنین تصمیمی نخواهند
شد. کمیته تصمیم گرفت روز بعد جلسه‌ای برگزار کرده و این
مساله را در جلسه‌ای وسیع‌تر مطرح کند. جلسه وسیع در روز
موعود فراخوانده شد، اما این بعد از ۱۲ آوریل بود. بعد
از اینکه ما تمام خواسته‌های خود را از دوما‌ی شهر گرفته
بودیم. این امر منجر به انشعاب در صفوف منشوبکها شد و
مخالفین ما در اقلیت ماندند. هیچ تصمیمی علیه ما نمی-
توانست اتخاذ شود.

اولین تشکیلات بیکاران در دوما‌ی شهر سن پترزبورگ

پس از اینکه کار وسیع مقدماتی برای کمک به بیکاران
در میان گروه‌های خرده بورژوا انجام گرفت، شورای بیکاران
هیاتی انتخاب کرد که قرار بود در ۲۸ مارس برای ارائه
عریضه امضاء شده فوق‌الذکر به دوما‌ی شهر برود.
هیات نمایندگی که مرکب از ۱۵ عضو بود، روز بیست و
هشتم مارس به دوما‌ی شهر سن پترزبورگ رفت. اعضا انجمن
شهر به این گروه از کارگران با شگفتی می‌نگریستند.
شهردار نمایندگان را به دفترش دعوت کرد تا از خواست
آنان مطلع شود. اما نمایندگان از صحبت با او خودداری
کرده و اظهار داشتند که آنان مأموریت دارند مساله را در
دوما‌ی شهر مطرح سازند نه با افراد. آنروز جلسه دوما‌ی
شهر برگزار نشد، زیرا تنها چند تن از اعضا انجمن شهر
سر و کله‌شان پیدا شده بود. اعضا دیگر که فهمیده بودند
هیات نمایندگی خواهد آمد، همداً از شرکت در جلسه دوما

۲۶ شورای بیکاران —————
احتمال کرده بودند. هیأت نمایندگی رفت، اما به اطلاع
اعضاء انجمن شهر و شهردار رسانید که مجدداً برای جلسه
بعدی بازخواهد گشت.

شست عادی بعدی قرار بود روز ۱۲ آوریل برگزار شود،
در نتیجه شورای بیکاران هنوز دو هفته وقت داشت تا خود
را با دفبیشتری آماده کند. تبلیغ در تمام کارخانه ها
و واحدهای تولیدی تجدید شد و این سبب شد که کارگران
عامل پیش از پیش از بیکاران ششمیایی کمند و تعداد
امضاءهای عرضه را افزایش دهد. سخنرانان بلشویک از
شورای بیکاران، با گروههایی از کارگران به تمام کارخانه ها
و واحدهای تولیدی رفته جلساتی ترتیب میدادند و قطعنامه
هایی می گذراندند.

در این مدت نه تنها روزنامه بلشویکی و ولنا به دفع
حسین نسبی میگرد، بلکه برخی روزنامه های لیبرال نیز
چنین میگردید. این روزنامه ها مقالاتی به دفع تشکیلات
بیکاران درج کرده و بر روی ضرورت شروع کار همگانی برای
بیکاران توسط دوماي شهر باغشاری میگردید. مساله بیکاری
به افکار عمومی شدیدا هشدار داده بود. حتی تمام گروه
انتخاب کنندگان دوماي ایالتی تصمیم گرفتند از نمایندگان
بیکاران در دوماي شهر، پشتیبانی کنند.

در ۱۲ آوریل ۱۹۵۶ هیأت نمایندگی ما، مرکب از سی
نفر - پسرده نفر از بیکاران و ۱۵ نفر از شاغلان - خود را
به دوماي شهر سن پترزبورگ معرفی کرد. مجموعه شورای

* در آن زمان در روسیه یک سیستم انتخاباتی غیرمستقیم
عمل میکرد. رای دهندگان به کاندیداهای ارگانهای (مقامات)
عمومی رای میدادند. بلکه به انتخاب کنندگان رای میدادند
و اینها به انتخاب کنندگان دیگری رای میدادند که بالاخره
به کاندیدها رای میدادند.

بیکاران در آن زمان از ۶ نفر تشکیل میشد، اما نیمی از آنان به دوما نرفتند، تا اگر نمایندگان اعرامی دستگیر شدند، شورا بتواند بدون وقفه به کار خود ادامه دهد. پلیس در آن زمان از نزدیک مراقب شورا بود و چنانچه احتیاط‌هایی ضروری بود، در حقیقت، روزی که هیات نمایندگی به دومای شهر رفت، به ناگاه پلیس به محلی که شورا قبلاً جلسه داشت حمله کرد و هر کسی را که آنجا بود دستگیر کرد، اما در میان دستگیر شدگان هیچ نماینده و عضو از شورای بیکاران نبود.

پیش از پذیرفتن هیات نمایندگی، دومای شهر طوسی جلسه‌ای خصوصی تصمیم گرفت، هیات نمایندگی را بپذیرد و تا حد امکان با خواسته‌هایش موافقت کند تا کارگران را بر سر خشم نیاورد. مردم و بیکاران از این تصمیم اطلاعی نداشتند.

در آغاز جلسه، درست لحظه‌ای که ما رسیدیم، گروه کثیری از مردم وارد سالن‌های دوما شدند. پنج نماینده از طرف شورای بیکاران حرف خود را تمام و کمال زدند.

یکی از سخنرانان گفت: "ما از شما استدعا نمی‌کنیم، ما میخواهیم." "ما فکر میکنیم تمام پولی که در اختیار شماست درست به ما تعلق دارد." سخنران دیگری گفت: "اگر شما به بیکاران کار ندهید، هیچ راهی برای ما نمی‌ماند، جز اینکه از شما بزدیم."

یکی از نمایندگان که کارگری جوان بود، فریاد زد: "شما بیکاران را ندیده‌اید، من با آنان زندگی می‌کنم، میتوانم به شما بگویم که آنها چگونه زندگی می‌کنند، میتوانم شما بگویم که آنها که مرا به اینجا فرستادند چه گفتند، آنها گفتند: "برو به امضاء انجمن شهر و به دومای شهر بگو، و اگر آنها به حرف تو گوش ندادند ما خودمان مبرویم و خرخره آنها را میگیریم."

۲۸ شورای بیکاران —————
اعضاء انجمن شهر با شکیبائی حتی به این مخترانیها
گوش دادند و زمانی که حرف ما تمام شد، آنها پیشنهاد
کردند که هیات سالن را ترک کند، اما ما گفتیم مادام که
پاسخی به خواسته‌هایمان داده نشده، نخواهیم رفت. اعضای
انجمن شهر اعلام تنفس کردند. مردم را بیرون کردند و سپس
جلسه با حضور هیات نمایندگی بیکاران کار خود را از سر
گرفت.

نخستین کسی که صحبت کرد، اشنیت نیکوف بود. او به
عنوان رادیکال ترین عضو انجمن شهر دربارهٔ حدود توانائی
انجمن شهر در مورد کاری که میتواند به بیکاران داده
شود، توضیحاتی داد.

اشنیت نیکوف اظهار داشت: "به نظر انجمن شهر
امکان دارد:

۱ - ۴۰۰-۲۰۰ کارگر را در ژوئن سال جاری روی کانالهای
در دست ساختمان و برای پر کردن کانال کاترین کار
گمارد.

۲ - در اوایل ماه مه سال جاری ۴۰۰-۳۰۰ نفر را برای
کارهای مکانیکی و ۲۵۰۰-۲۰۰۰ نفر را برای کارهای
ساده، در بندر هارلرنا مشغول کرد.

۳ - در آینده نزدیک ۱۰۰ نفر را برای تنظیم رودخانه
کارنوکی مشغول کرد.

۴ - به ۲۰۰ نفر برای ساختمان محل کاربائی، بازار لاتزمن
و یک مسافرخانه کار داد.

۵ - ۴۰۰ نفر را به کارهای موقتی گمارد.

۶ - برای بعضی از بیکاران جهت ساختمان بله‌ای پاسته لئی
موبوف جرسی سف و آسی شکن کار تهیه کرد.

به اس ترتیب، اعضای انجمن شهر گفتند که حداکثر
برای حدود ۵۰۰-۵۰۰ کارگر ماهر در زمینه‌های مختلف و

شورای بیکاران ۲۹
۴۰۰۰ کارگر ساده - کار وجود خواهد داشت، بدون در نظر گرفتن کارگرانی که برای ساختمان پلها مورد نیاز خواهند بود و یا تعدادی که نمیتوان پیش بینی کرد.

یقیناً "دومای شهر مانند گذشته با جنبش بیکاران و با بیکاران بطور کلی، دشمنی داشت. اما سازمان های بلشویکی و شورای بیکاران موفق شده بودند همدردی تمام گروههای خرده بورژوا و بویژه تمام کارگران سن پترزبورگ را بنفع بیکاران برانگیزانند. بنابراین انجمن شهر محصور شد خصومت خویش را در پس این خواست ساختگی کمک به تمام بیکاران از طریق ایجاد کار همگانی، پنهان سازد.

اعضاء انجمن شهر در سخنرانیهایشان گفتند که خواسته های بیکاران بر حق است و صدقه، زیانبارترین شکل کمک به کسانی است که عادت دارند نان خویش را از راه کار شرافتمندانه درآورند. آنها همچنین گفتند کار همگانی از ارزش بیکاران نخواهد کاست، بلکه بر عکس روحیه آنان را تقویت خواهد کرد و بنابراین باید ابتدا کار همگانی ایجاد کرد.

هیچ صدائی علیه خواستهای کارگران بلند نشد. پس از مجادله، دوما با توافق آراء قطعاً به ای را شرح زیر به تصویب رساند:

۱ - کمیته مخصوصی با ۱۲ عضو تشکیل شود تا طرحی برای ایجاد کار همگانی ارائه داده و اقداماتی برای جلوگیری از نابسامانی ناشی از بیکاری بعمل آورد. کمیته از نمایندگان کارگران و سازمانهایی که در جلسه قبلی محست کردند، دعوت کند تا در کارش مشارکت نمایند.

۲ - کمیته به تمام پیشنهاداتی که در این جلسه از طرف اعضاء انجمن شهر طرح شد توجه نماید.

۳ - برای ایجاد یک کمیته اجرایی مرکب از رئیس و ۳ عضو و بمنظور پیش برد سازمان دهی و انجام کار همگانی

کسب مجوز کند.

۴ - بیدرنگ ۵۰۰،۰۰۰ روبل برای آغاز کار فوق الذکر ،
 بعنوان مساعده پرداخت شود و تا زمان انتصاب شورای
 اجرایی، اداره آن با شورا باشد.

اعضاء انجمن شهر و افراد صد سیاه چنان مشتاق
 ابراز همدردی با بیکاران بودند که یکی از اعضا انجمن
 شهر واسسته به صد سیاه ها پس از گوش دادن به پیشنهادات
 حتی اظهار داشت " چرا فقط ۵۰۰،۰۰۰ روبل فکرمی کنم زمانی که
 مردم دارند از گرسنگی میمیرند باید یک میلیون روبل
 پرداخت کرد."

پاسخ این بود که ۵۰۰،۰۰۰ روبل تنها برای شروع است و بعد
 دوما حتی میتواند یک میلیون و نیم و یا در صورت لزوم
 بیشتر بپردازد.

در همان جلسه دوما، کمیسیون بیکاران به ریاست
 ا. ن. کدرین، عضو انجمن شهر، انتخاب شد. ن. ن. اشنیت
 نیکوف، ن. پ. فدورت، پترانکوویچ، فال پروک، بلانسون
 و دیگران همگی از اعضای انجمن شهر - نیز بعنوان اعضا
 کمیسیون انتخاب شدند. هنگامی که جلسه دوما پایان یافت،
 کدرین ضمن گفتن تبریک برای موفقیت هیات نمایندگی،
 پیشنهاد کرد که آنها به نفع را برای شرکت در کمیسیون
 با مزد کنند، اما نمایندگان اظهار داشتند که کارگران
 زمانی با شرکت در کمیسیون موافقت خواهند کرد که تعداد
 نمایندگان شورای دوما، تعداد اعضای انجمن شهر باشد و آنان
 نیز در کمیسیون نمایندگی داشته باشند. کدرین از کوره در
 رفت و با خونسردی شروع به مخالفت کرد و بالاخره گفت که
 در اینصورت حضور نمایندگان کارگران کار کنند.
 هیات نمایندگی بکار آمد. طرفدار رفت، اما کدرین پس از
 قدری تفکر به دنبال ما دوباره ما را متوقف کرد و گفت:

شورای بیکاران ۳۱
" آقایان کارگر، کمیسیون تصمیم گرفت پیشنهاد شما را
بپذیرد، راضی شدید؟ "

هیات پاسخ داد که آنها مساله را حل شده تلقی میکنند
و در کار تهیه مقدمات کمیسیون شرکت خواهند کرد.

میز گرد با بورژوازی

روز بعد کمیسیون شهر و نمایندگان بیکاران کار را
شروع کردند. تصمیم گرفته شد کمکی که به بیکاران داده
میشود مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود چند ناهارخوری
میتوان به ناهارخوریهای موجود افزود. تعداد زیادی از
بیکارانی که به خیابانها ریخته شده بودند، در مسافر -
خانه‌ها پناه یافته اما بچه‌هاشان را نزد رفقای فرستاده
بودند که اشتغال داشتند. به این ترتیب، خانواده‌هایی از
هم پاشیده شده بود. تصمیم گرفته شد اقداماتی به منظور
کمک به بیکاران برای پرداخت اجاره خانه بعمل آید. مساله
کمک به بیکاران برای از گرو در آوردن اموالشان از
دکانهای سمساری، بویژه چرخ خیاطی و ... نیز مورد بحث
قرار گرفت و تصمیم به اقدام گرفته شد.

کمیسیون ۱۷۵۰۰۰۰ روبل از ۵۰۰۰۰۰۰ روبلی را که در
اختیار داشت، برای احتیاجات فوری کنار گذاشت. این
پول برای مقاصد فوق در نظر گرفته شد. در ۲۱ آوریل، دوما
طرح عملیاتی را که کمیسیون در جلسه ۱۹ آوریل خود تنظیم
کرده بود، بررسی و تصویب کرد. طرح بدین قرار بود:

۱ - به انجمن شهر این حق داده میشود که بیکاران را از
پرداخت برخی عوارض محلی، طبق تقاضای کمیسیون، معاف
دارد.

۲ - اجازه ندهد اموال بیکارانی که در گرو نگاهبای

دولتی و سماریهای شهرداری است، تا پیش از ۲۱ ژوئن فروخته شود. همچنین جریمه بهره‌های پس‌افتاده ملغی شود و پرداخت بهره برای سه ماه به تعویق افتد.

۲ - با ملاحظه کمیسیون تدارکاتی دوما، به انجمن شهر اجازه داده شود که ۱۷۵،۰۰۰ روبل پیش‌پرداخت شده توسط دوما، شهر در ۱۲ آوریل را برای موارد زیر به مصرف رساند :

الف . برای تامین غذاخوری بیکاران.

ب . برای ساختن و اجاره ساختمانهایی که زنان و فرزندان بیکاران بی‌خانمان شده بتوانند موقتاً در آن سکونت کنند.

ج . برای به تعویق انداختن اخذ بهره از بیکاران برای اشباتی که نزد سماریهای خصوصی به گرو گذاشته شده است.

کمیسیون و شورای بیکاران بیدرنگ شروع به توزیع این پول در میان بیکاران کردند. در عرض دو ماه اول ۱۷۵،۰۰۰ روبل مذکور صرف هزینه غذا، اجاره و مغازه‌های سماری شد.

مسئولیت سازماندهی خرج کردن پول بعهده کمیسیون گذاشته شد. کمیسیون با رضایت شورای بیکاران این وظیفه را به اتحادیه مهندسين که ۶ ماه پیش از این کمیته‌ای برای کمک به بیکاران ایجاد کرده بودند واگذار کرد. شورای بیکاران حق کنترل فعالیت این کمیته و مدیریت عمومی کار را حفظ کرد. قرار بر این بود که کمیسیون دوما پولی از خزانه شهر دریافت دارد و آنرا به کمیته منتقل کرده، و پس‌گزارش خرج آنرا به دوما ارائه دهد.

کار دشوار ایجاد ناها ر خوری برای بیکاران به کمیسیون تغذیه بیکاران واگذار شد. در این دوره، کمیته ۳۳ ناها

شورای بیکاران ۳۳
خوری تاسیس کرد و سه میلیون وعده غذا به بیکاران داد .
نحوه توزیع غذا چنین بود : در ژوئن ۴۹۵۰۰۰۰، در ژوئیه
۶۲۱۰۰۰۰ وعده و غیره . در ژوئن و ژوئیه، روزانه سه
۲۵-۱۶ هزار نفر غذا داده میشد . شورای بیکاران تصمیم
گرفت این کار دشوار را بعهده نگیرد، زیرا این امر بخش
قابل توجهی از نیرویش را که برای دیگر کارهای تبلیغی و
تشکیلاتی به آن نیاز داشت، می گرفت .

دومای شهری خرج اعتصابات را میدهد

پولی که برای کمک به بیکاران و جهت پرداخت اجاره
خانه اختصاص یافته بود، مستقیماً از طرف اعضاء دوما
مآمد و طبق فهرستی که توسط شوراهای بیکاران با نظارت
یک عضو کمیته اجرائی شورای بیکاران، یا نمایندگان از
شوراهای ناحیه‌ای تنظیم شده بود، پرداخت میشد . اعضاء
انجمن شهر و نمایندگان شورا تمام بیکاران ناحیه را که
قرار بود کمکی دریافت دارند جمع کرده و به آنان در
مقابل رسید، پول میدادند . بسیاری از بیکاران، بی سواد
بودند و بعضی ضرر میزدند و بعضی بجای دیگران امضاء
میکردند .

در ضمن در تمام ناحیه‌های سن پترز بورگ یک جنبش وسیع
اعتصابی شروع شده بود . اعتصابات سیاسی بودند، نه اقتصادی .
کادربهای جدید بیکاران به صفوف ما پیوستند . البته
شورای بیکاران دستی در تدارک اعتصابات داشت ، زیرا
اتحادیه‌های کارگری هنوز بسیار ضعیف بودند و به سختی
میتوانستند از اعتصابات پشتیبانی کنند . بنا براین، همراه
با اعتصابات ناحیه وی بورگ ، ما مجبور بودیم به اعتصابیون
کمک مالی کنیم . برای آنان دو هفته بیکاری به مفهوم

گرسنگی بود، مگر اینکه به آنان کمک میشد. ما به تازگی فهرستی از ۵۰ نفر در ناحیه وی بزرگ که قرار بود برای دریافت احاطه‌شان کمک بگیرند، تنظیم کرده بودیم. این فهرست شامل اعتصابیون نیازمند کارخانه اریکسون می‌شد. اما پیش از اینکه اشنیت-نیکوف، عضو انجمن شهر، پول را بیاورد، ما خبر شدیم که بعضی از اعتصابیون که با ما در لیست بود، به سر کار بازگشته و اعتصاب را شکسته‌اند. ایضا ۱۰۰ نفر بودند، ما در مخمصه افتاده بودیم. اگر لیست را به همان صورت می‌گذاشتیم، ۱۰۰ نفر اعتصاب‌شکن پول می‌گرفتند. اگر این اسامی را خط می‌زدیم، عضو انجمن شهر، ناحیه را با پولی که آماده توزیع بود، ترک می‌کرد. چه باید می‌کردیم؟ لیست را دست‌نخورده گذاشتیم، اما بعضی اعتصابیون خود را واداشتیم تا این اسامی را به خاطر بشارتند، بطوری که وقتی عضو انجمن شهر اسم‌ها را صدا می‌زد آنها جواب‌دهند و پول را بگیرند. تمام بیکاران دو نفر، دو نفر در راهرو صف کشیدند. عضو انجمن شهر کارگران را یک به یک به دفتر فرا می‌خواند، یکی پس از دیگری و در حضور ما به بعضی ۵ روبل، به بعضی ۸ روبل و بالاخره به بعضی ۱۰ روبل برحسب تعداد اعضاء خانواده‌هایشان و به‌شهادت ما ممداد. همه چیز به آرامی گذشت تا اینکه اشنیت-نیکوف به اسم بترووا رسید. او را صدا کرد و پرسید:

"بترووا جقدر باید دریافت کنی؟"

و زن جواب داد:

"من بترووا نیستم، من سامویلووا هستم."

من نگاه تنیدی به او کردم. داشت ما را توی چه درد سری می‌داد! او فهمید، گیج شد، و سپس تپه پته کنان گفت: "بله بله من بترووا هستم."

اما دیگر دیر شده بود. اشنیت-نیکوف، که یک وکیل

دعای بود بیدرنگ فهمید که خبری است. او رو به من کرد و گفت:

" آقای مالی شف، این چیه، اینجا چه خبره؟ "
" چیز خاصی نیست، نیکلا نیکلاویچ، اسم بعضی را بجای بعضی دیگر گذاشتیم، چون پس از تحقیق دریافتیم آنها کسی که در لیست اول بودند کمتر از اینها محتاحند. "
" نه، جنایتی در حال وقوع است، شما بلشویک های بیکار هستید، خدا میداند که شما دارید چه به روز می آورید. "

" من زن کارگر را بیرون فرستادم و به تندی گفتم جنایتی رخ نداده و جای دلتنگی نیست. "
" اگر نمیخواهید پول را توزیع کنید این ناحیه را ترک کنید. "

او به سرعت پولی را که مانده بود (هنوز ۶۰ - ۵۰ روبل توزیع نشده مانده بود)، چنگ زد و بدون اجازه از اطاق بیرون دوید، درحالیکه فریاد میزد:

" تمام اینها کار شما بلشویکهاست! شما دومای شهر را به ارتکاب جنایت کشانده اید. "

ما فقط خندیدیم. کارگران در حالی که سر زن کارگری که نتوانسته بود نام گیرنده پول را بخاطر بسپارد، فحش میدادند، پراکنده شدند. اما این تنها موردی بود که اعضاء انجمن شهر فهمیدند که ما اسم بعضی را بجای بعضی دیگر گذاشته ایم، در واقع نمونه هایی از این قبیل زیاد بودند و ما اینکار را بطور منظم انجام میدادیم. بدین طریق توانستیم از تمام اعتصابات که در ۱۹۰۶ در سن پترزبورگ شروع شده بود و بعضی اعتصابات ۱۹۰۷ پشتیبانی کنیم. ما اکثر اعتصابات را که بزرگترین آنها، اعتصابات کارگران اسکله، تاکسی رانان، شرکت تلفن اریکسون و غیره بود، با پول دومای شهر برگزار کردیم.

۳۶ شورای بیکاران
انجمن شهر تقریبا " ۴/۵ میلیون روبل صرف کمک مستقیم
به بیکاران و کار همگانی کرد که بعداً از آن صحبت خواهیم
کرد. هزینه کار همگانی به دقت بررسی میشد، پولی کسبه
صرف نگهداری ناهارخوری برای بیکاران میشد نیز به دقت
بررسی میشد، اما در اقلام کوچک، حسابها صورت خوشی
نداشت و این به ما امکان داد که مقداری از پول شهر را
برای اعتصابات و مقاصد مشابه بکار ببریم. ما لیستی
داشتیم که به استثناء دو یا سه مورد، همگی با ضربدر
امضاء شده بود. ما هزار ضربدر روی لیست گذاشتیم؛ همین
و بس! درست است، اعضا انجمن شهر از (کارگر) بیکار
خواهند پرسید: "جی، تو هم بیسوادی؟"
و کارگر پاسخ خواهد داد: "بله من بیسوادم. این
گناه من نیست، شما به من خواندن و نوشتن یاد ندادید.
تنها پنج درصد کارگران سواد خواندن و نوشتن دارند و
آنها سر کارند. آنها که بیکارند همگی بیسوادند."
اعضای انجمن شهر با کمی حیرت گاهی به بالا میاندازند
اما بعد پول را می پردازند.
دو سال و نیم بعد، پس از آنکه من از زندان سن
بطرز بزرگ بازگشته بودم، منشی کمیسیون دوم را ملاقات
کردم. او از من خواست که به ساختمان دوم بروم. من
تحت تعقیب بودم، ولی او به من قول داد که مرا تحویل
نهدد. در دفتر کمیسیون، من لیستهای ضربدارداری را
دیدم که روی میزهای بزرگی ولو شده بودند.
عضو انجمن شهر پرسید: "حظوره که تمام این ضربدرها
شیه اند؟ اگر اینها را اشخاص مختلف نوشته باشند، باید
با هم فرق داشته باشند، اینطور نیست؟"
واقعاً از این سؤال جا خوردم و جوابی نداشتم. به
او گفتم که کارگران اکثراً "جنرکار آهنگر، کارگر
ناسسات و غیره بودند. همه از کسانی که کار سنگین میکنند

و شاید به این دلیل بود که تمام ضربدارهایی که زده‌اند، شیه یکدیگر شده است. سناتور و عضو کمیسیون چشمپایش را از روی کاغذ برداشت و نگاهی به من کرد. برای یک لحظه فکر کرد و سپس گفت:

"شاید شما درست می‌گوئید، بلکه طور دیگری نمی‌شود آنرا توضیح داد."

برای آنان آرزوی موفقیت کردم و کمیسیون را ترک گفتم. دو هفته بعد همین منشی به من اطلاع داد که کمیسیون حسابرسی تصمیم گرفته که تنها یک گزارش موقت از این حسابها بدهد، زیرا پیدا کردن سر و ته این حسابها غیر ممکن بوده است و بعد از گزارش انجمن شهر، حسابها با یگانگی میشود.

ایجاد کار همگانی به تعویق می‌افتد

شورای بیکاران نه تنها ناهارخوریها را سزا پرداخت، غذا داد، برای اجاره و از گرو در آوردن اموال ازسماری پول پرداخت کرد، بلکه سراسر ماههای آوریل را صرف فراهم آوردن مقدمات کار همگانی کرد و تمام مدت به کمیسیون بیکاران، به کدرین عضو انجمن شهر، و دومای شهر بهت برد که ایجاد کار همگانی را تسریع کنند، اما نحوه برخورد دومای شهر با بیکاران، ستدریج تغییر میکرد. کادتها و افراد صد سیاه‌ها که در آوریل آنقدر مشتاق کمک سطر میرسیدند، تا آنجا که توانستند شروع به اخلا در ایجاد کار همگانی کردند، کمک ترسی که با تهاحم ما به انجمن شهر برایشان مسئولی شده بود، فرو ریخت و حالا میخواهند کمک را به ۵۰۰،۰۰۰ روبل که آن زمان به آن رای داده شده بود، محدود کنند. کدرین، وکیل دعاوی حله‌گر ار برما به -

۲۸ شورای بیکاران —————
 داران دستور میگرفت که کارگران را وادار به تسلیم کنند و تصمیم گیری در مورد مساله مهم ایجاد کار همگانی را به تعویق اندازد. پلیس و پلیس مخفی شروع به مداخله در کار تشکل های بیکاران کردند. در نتیجه، تقریباً " هر هفته برخوردهای تندی بین کمیسیون شورای بیکاران رخ می داد. بالاخره شورای بیکاران قطعنامه زیر را به نام بیکاران سن پترز بورگ به کمیسیون ارائه داد :

" در دو هفته اخیر فعالیت دوما با وعده هایی که در ۱۲ آوریل داده شده هماهنگی ندارد. تمام تلاش های دوما صرف ایجاد وقفه و بهانه تراشی بمنظور شانه خالی کردن از زیر بار تعهداتی میشود که تقبل کرده است. در ضمن نه بیکاری، نه گرسنگی و نه بیمبری بیکاران، هیچیک تقلیل یافته است. بیکاران در اعمال دوما، دام و خیانت می بینند. بنابراین نمایندگان کارگران به سادگی ازاعضای انجمن شهر سوال میکنند که آیا آنها قصد انجام وعده های خود را دارند یا نه؟ آیا آنها قصد سر دواندن دارند یا بالاخره به کار خواهند پرداخت و بخصوص آیا دوما قصد ایجاد کار همگانی را دارد یا نه؟ اگر اعضاء دوما بخواهند تعویق کار ادامه دهند و از انجام وعده هایشان سر باز زنند، نباید به پشتیبانی نمایندگان کارگران از خیانتشان امیدوار باشند. نمایندگان کارگران به خود حق میدهند به انجام هر عملی که مناسب تشخیص دهند، اقدام کنند."

این بیانیه خشم اعضاء انجمن شهر را برانگیخت. آنها خشمگین شده و ما را نمک شناس خواندند. اکثر اعضاء تهدید به استعفاء از کمیسیون کردند. اما طوفان به زودی فروکش کرد و آنها مجدداً دست بکار شدند. ما این همه، کار چندانی انجام نشد. پیشنهاد شد که شورای بیکاران در اعتراض به این تاخیرها از کمیسیون استعفاء دهد. اما از این پیشنهاد پشتیبانی نشد. سپس کمیته اجرایی ما موربست

ساعت که به اطلاع دومای شهر رساند که کمیسیون جاسکبه
ساخت، یا مسئله کار همگانی، برخورد نمیکند. کمیسیون
اجرائی در بهم ماه مه ۱۹۵۵ قطعنامه زیر را به تصویب
رساند:

" کمیته اجرائی بصراحت خواستار آنست که ایجاد
کار همگانی بیدرنگ و با حداکثر توان از سر گرفته شود.
کمیته اجرائی به دوما هشدار میدهد که در صورت عدم
ایجاد کار همگانی، برخورد احتیاطی باید خواهد بود. و
کمیته اجرائی در قبال آن مسئولیتی نخواهد داشت."

این قطعنامه به دومای شهر ارسال شد. اما تا آن
چندانی نکرد. کدرین هیچ قدمی برای تسریع کار سر نداشت.
سال آخره شورای بیکاران طی یک قطعنامه ویژه با اطلاع کدرین
و دوما رساند که حضور بیشتر کدرین در کمیسیون، به امر
ایجاد کار همگانی صدمه میزند و جدا "خواستار آن شد که
کدرین از ریاست کمیسیون برکنار شود. در آن موقع چندین
برخورد دیگر با کدرین پیش آمد و او محور به استعفاء
شد.

اولین کمیسیون بیکاران از مهمترین خدمتگزاران
سرمایه، اشیت سکوف وکیل دعاوی، پلانسون، کدرین، چند
مهندس و فالسورک معلم تشکیل شده بود. اینها کسانی بودند
که خود را موافقین صاف نموده می انگاشتند، و اگر ما
که با آنها بر سر یک میز می نشستیم، آموزش انقلابی
بلشویکی نداشتیم، بلکه آنها را با دهانهای باز تعاشبا
کرده و به (حرفهای) آنها گوش میدادیم، بی تردید برای
بیکار با آنها از همان آغاز خام میشدم و امر ایجاد
کار همگانی بی نتیجه میماند. بنابراین هنگامی که
برجسته ترین وکیل دعاوی سرمایه دار، ایوانویچ کدرین، که
قصد تعمیق انداختن کار همگانی را داشت - دریافت که
تحمیق غیر ممکن است، با موافقت جمعی از کمیسیون بیرون

۴۵ شورای بیکاران —————
انداخته شد. ما خط بلشویکی خود را مبنی بر درخواست کار
همگانی ادامه دادیم. به کمک تکنسین های اتحادیه مهندسی
که هوادار ما و در ارتباط با دومای شهر بودند، مسا
پروژه های کار تنظیم شده توسط دوما را در بایگانی فنی
دوما پیدا کردیم.

ما خود پروژه هایی را در بایگانی دومای شهر کشف
کردیم که روی هم رفته حدود ۵,۶۰۰,۰۰۰ روبل هزینه داشتند.
۹ پروژه کامل برای پلهای سن پترزبورگ جهت عبور ترن
برقی پیدا کردیم. این پلها عبارت بودند از: میخائیلو
وسکی، سیلین، ویدنسکی، کامنو، استرووسکی، یاسته له نی
فیووسکی، خاریووتیمسکی، ریژسکی، آلارکین و ارشائوسکی.
ما پروژه های مربوط به ساختمان سه بازار جدید، سیت نی
کووسکی، لوتس مانسکی و آرسنال - همچنین پروژه های تکمیل
شده ساختمان یک کشتارگاه، طرح مخزن آب نوودرونسکی، یک
پروژه برای بالا آوردن بندر هالرنا، گرم کردن ایستگاه
مترو ساختن تریلر، موتور اتومبیل، کابل برای ترن هوایی
(مونوریل) و غیره را نیز از بایگانی بیرون کشیدیم.
ما پذیرفتیم که بعضی از این کارها را بیکاران نمیتوانند
انجام دهند، اما تصمیم گرفتیم از بیشتر آنها استفاده
کنیم. زیرا، بیکاران قادر به اجرای آنها بودند. در بین
ما کارگران ماهر بسیار بودند، سازنده دیگ بخار، کارگر
تاسمات، نجار، تراشکار و غیره.

کاری که ما در نظر داشتیم، احتیاج به ۶۰۰ نفر
کارگر داشت و علاوه بر این بالا آوردن بندر هالرنا هم به
کاری نیاز داشت که مدت قابل ملاحظه ای طول می کشید.
هنگامی که در کمیسیون شروع به تعیین نحوه انجام کار
کردیم، با مقاومت کمیسیون، بویژه اعضای که دارای گرایش
حزبی سوسیال رولوسیونر، و ناسیونال - سوسیالیستی بودند،
مواجه شدیم. این اعضای سوسیالیست انجمن شهر اصرار داشتند

و تمام اعضای کمیسیون هم از آنان پشتیبانی می کردند - که کار را به شکل گروهی قبول کنیم و تمام بیکاران را طبق تخصصان در این گروهها سازمان دهیم و پس از اینکه مهندسین و تکنیسین های مورد نیاز را از اتحادیه های مهندسیین گرفتیم، این کار را پیمانی انجام دهیم، آنها میگویند که در غیر این صورت دوما رضایت نخواهد داد، زیرا یک نفر وارد به امور حقوقی باشد مسئولیت کاری را که با مبلغی جنس کلان سر و کار دارد، بعهده بگیرد. اعضا احسن شهر میگفتند محال است بدون عقد قرار داد بتوان کاری را بسادگی به کسی داد. مختصر آنکه حقوق - دانان، اعضا کمیسیون، مقامات سرمایه دار، اگر چه ادعای گرامشات سوسالیتی داشتند، لکن (در عمل) نقش نمایندگان بورژوازی را بازی میکردند و برای کار کلی را پیشنهاد میکردند که به بهترین نحوی در خدمت این منافع قرار گیرد. بلاسئون مبتکر اصلی این ابزار گروهی بود، او اشکال گوناگون انجام کار را آزمایش کرد، او پیشنهاد کرد که برای خاتمه دادن به جر و بحثها و تعیین اشکال پذیرش این کار و غیره یک دادگاه، حکمیت کند.

برخی از اعضا شورای بیکاران که تحت تاثیر منشیویکها و سوسبال - رولوسیونرها بودند با قبول این شکل از کار موافق بودند اما شورا بعنوان یک مجموعه و کمیته اجرائی تشخیص داد که انجام کار بصورت مقاطعه (پیمانکاری) برای بیکاران بدبختی عظیمی است و شاید حتی به شکست کامل طرح ایجاد کار همگانی که پرولتاریای سن پترزبورگ قبول آنرا با آن همه زحمت گرفته بود، منجر شود.

ابتدا لازم بود که بیکاران بصورت گروهی دارای صلاحیت قانونی، سازمان داده شوند و تا آن زمان شاید خود کار

از دست مرفت. بالاخره ممکن بود کارگران با تفل تمامی بار مسئولیت نتوانند بلافاصله کار را راه بیندازند و یا بعضی کارها را خراب کنند و به این ترتیب، به کمیسیون بیکاران و اعضاء انجمن شهر بهانه‌ای برای توقف کامل کار همگانی بدهند. بنابراین همه جا به تفصیل در مورد نحوه کار بحث کردیم. آنرا در شوراهای محلی و ناحیه‌ای بیکاران، در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به بحث گذاشتیم. تنهیا بعد از اینکه مساله را بدقت بررسی کردیم، آنرا برای اتخاذ تصمیم به شورای بیکاران آوردیم. شورای بیکاران با این مساله که بیکاران کار همگانی را بر اساس مقاطعه گروهی انجام دهند، کاملاً مخالفت کرد. در عوض در هفتم ماه مه تصمیم گرفت از دوماي شهر بخواهد که مسئولیت کامل انجام کار را برعهده گیرد.

پس شورا تعدادی قطعنامه در مورد شرایط ایجاد کار تصویب کرد. پس از بررسی دقیق مساله کار همگانی پیشنهادی دوما و جگونگی استفاده از بیکاران به بهترین وجه، نظر شورا این بود که کار همگانی پیشنهاد شده تنها بخش ناچیزی از کاری است که شهر باید بمنظور بهبود امور بهداشت و رفاه شهر انجام دهد. شورا هرگونه مسئولیتی را در زمینه (اداره) مالی و اشکالات فنی کار پیشنهادی و نیز اصل انجام کار بر اساس مقاطعه گروهی را رد کرد و درخواست کرد که دوما بلافاصله با رعایت شرایط زیر دست به ایجاد کار همگانی بزند :

- ۱ - هشت ساعت کار در روز
- ۲ - ممنوعیت اضافه کار
- ۳ - تعیین دستمزد روزانه
- ۴ - رعایت کلیه شرایط لازم بهداشتی و ایمنی در کار
- ۵ - دادن کار به بیکاران ثبت نام شده، زیر نظر شورای بیکاران.

شورای بیکاران ۴۲
۶ - حق کنترل تمام امور داخلی در کارگاهها بوسیله
نمایندگان کارگران.

رد کار به شکل مقاطعه گروهی از طرف شورای بیکاران،
دومای شهر را سخت خشمگین ساخت. اعضاء اسحقمن شهر اصرار
داشتند که کار را بطور گروهی قبول کنیم و حتی تهدید
میکردند که اگر با انجام این کار بدین نحو موافقت
نکنیم، دوما هیچ کاری ایجاد نخواهد کرد.

یک تاخیر جدید

تا این زمان دلیل کافی داشتیم که فکر کنیم دوما
تصمیم ۱۲ آوریل خود را اجراء نخواهد کرد. تمام افراد
صد سیاه ها به سرعت دست به کار سازماندهی علیه شورای
بیکاران شدند. مطبوعات لیبرال و همچنین صد سیاه ها انتقاد
سخت از ما و برانگیختن احساسات علیه بیکاران را آغاز
کردند. همه مطبوعات سرمایه داری از اینکه ما کارگر
اساس مقاطعه گروهی را رد کرده بودیم، برای حمله به
بلشویکها استفاده کردند. آنها میگفتند که ما بلشویکها
از جنبش بیکاران برای اهداف سیاسی خود استفاده
می کنیم.

شورای بیکاران از هر فرصتی برای افشاء رفتار
گستاخانه مطبوعات سرمایه داری، بویژه کادها و تلاش
آنها برای دفاع از منافع بورژوازی تا سر حد لغو طرح
ایجاد کار همگانی که دومای شهر سن پترزبورگ درباره آن
تصمیم گرفته بود - استفاده کرد.

اما هنوز تعدادی از روزنامه ها با ما بودند و ما
برای ادامه مبارزه، وولنا، روزنامه بلشویکی خود، و

۴۴ شورای بیکاران
روزنامه دیگری نیز داشتیم. از طریق این روزنامه‌ها و به ویژه وولنا، ما رفتار وحشتناک مطبوعات کادت و لیبرال را افشاء کردیم و تا حدی موفق شدیم تاثیر آن را خنثی کنیم.

به این ترتیب، تمام ماه مه گذشت. در آغاز روشن وضعیت کار همگانی تغییری نگرده و مشکل حل نشده باقی مانده بود. برای شورای بیکاران و کمیته اجرایی آن راهی جز این نمانده بود که به کمک تشکیلات حزب بلشویک در کارخانه‌ها دست به تبلیغات شدید بزند و از طریق توده‌ها بر دولت، گروه‌های خرده بورژوا و بویژه دوما‌ی شهر فشار وارد کند. نظر به اینکه قدرت سازمان‌ها همچنان بیشتر میشد و میتوانست بر روی مقامات سن پترزبورگ فشار مداوم آورد، دوما مجبور شد چند نفر دیگر را به عضویت کمیسیون انجمن شهر انتخاب کند. در ۲۹ مه، دوما این کمیته اجرایی گسترش یافته و مسئول امور سازماندهی و مدیریت کار همگانی را با مور انجام تمام کارهای موجود در شهر کرد.

در آن زمان پولی که دوما‌ی شهر برای نگهداری ناهار خوری‌ها و دیگر انواع کمک به بیکاران اختصاص داده بود، در حال اتمام بود. اما دوما اعانه جدیدی نداد. شایع بود که وزارت کشور به دوما‌ی شهر دستور داده است به بیکاران امتیازات زیادی ندهد. وضع رو به وخامت می گذاشت.

ما از طریق مطبوعات فشار خود را بر کمیسیون، افزایش دادیم. همچنین اقدامات دیگری بعمل آوردیم و دست به کار فعال کردن جنبش شدیم.

بیکاران در موقعیت بسیار بدی بسر میبردند. ما کمیسیون دوما را واداشتیم که گزارشی در مورد وخیم بودن اوضاع، تسلیم دوما‌ی شهر کند و برای برپانگداشتن

۴۵ — شورای بیکاران
ناهارخوریها در طول تابستان، درخواست پول کند. براساس تخمین برای گروه گرداننده ناهارخوریها برای تغذیه روزانه ۱۸۰،۰۰۰ نفر در طول سه ماه و از قرار هر وعده غذا ۱۵ کوپک، ۱۸۰،۰۰۰ روبل مورد نیاز بود. به علاوه ما کمیسیون را واداشتیم تا به دوما برود و جهت کمک به بیکاران برای پرداخت ۱۸۰،۰۰۰ روبل اجازه - ۱۲۰،۰۰۰ خانوار برای سه ماه درخواست پول کند. ما روی هم رفته برای تابستان درخواست ۲۶۰،۰۰۰ روبل کردیم. کمیسیون بیکاران بر این مبنا گزارشی را تهیه و تسلیم دوما کرد.

اما دوما نه میخواست کاری کند، و نه عجله‌ای برای شروع کار داشت. ما در کمیسیون دعوائی برای انداختیم و درخواست کردیم که یک جلسه ویژه تشکیل شود. جلسه ویژه برگزار شد و ما از طریق آن روی دوما فشار آوردیم تا پولی را جهت پرداخت کمک و مخصوصاً "برای ایجاد کار - همگانی اختصاص دهد.

بالاخره در اواخر ماه مه اعضاء انجمن شهر صراحتاً تقبل هرگونه مسئولیتی را در مورد کار رد کردند، و از ما خواستند که راهی برای انجام این کار با بر عهده - گرفتن مسئولیت آن پیدا کنیم. و در ۲۹ ماه مه، دوما پس از استماع گزارش کمیسیون بیکاران و تصمیم اعضاء انجمن شهر مواردی را به تصویب رساند که در ظاهر قابل قبول بنظر میرسیدند. این موارد بشرح زیر بود:

- ۱ - تأیید محدود حق کمیسیون احرائی در دادن تمام کارهایی که تا آن زمان مقاطعه شده بودند و کارهایی که مستلزم اجازه دوما بودند. بیکاران.
- ۲ - پیشهاد به انجمن شهر و کمیسیون احرائی که تنها کارهایی در آینده به مقاطعه داده شود که کمیسیون ایجاد کار همگانی، قادر به انجام آنها نیست.

اما بزودی دریا نمیم که این تصمیم تنها برای کارهای تعمیراتی است و ایجاد کار همگانی حتی پس از اینکه این قطعنامه به تصویب رسید، هیچ پیشرفتی نکرد.

روزها و هفته‌ها از پی هم گذشتند. جلسات عمومی هفتگی بیکاران و بویژه جلسات کارگران در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی برای بحث در مورد اوضاع برگزار میشد و قطعنامه‌هایی در محکوم کردن رفتار ننگین دومای شهر در رابطه با بیکاران به تصویب میرسید.

دوما بخاطر به تعویق انداختن و خنثی کردن تمام تلاشهایی که برای انجام این کار میشد، شدیداً "تحت فشار" بود.

کمیسیون اجرایی چنان گستاخ شد که حتی تصمیم‌گرفت نمایندگان بیکاران را به جلسه دعوت نکند.

شورای بیکاران در جلسه سی و یکم ماه مه ۱۹۵۶ خود، تصمیم گرفت با این وضع قاطعانه برخورد کند. در جلسه مشترکی از کمیسیون اجرایی، نمایندگان شورای بیکاران اتحادیه مهندسين و دفتر مرکزی اتحادیه‌ها قطعنامه‌ای به تصویب رسید.

این قطعنامه به کمیسیون اجرایی منتقل شد، اما بر اثر پافشاری افراد ضد سیاه‌ها نادیده گرفته شد. مجدداً مجمع عمومی شورای بیکاران فراخوانده شد و تصمیم گرفته شد که کمیسیون اجرایی بگوید آیا کار همگانی را ادامه خواهد داد یا نه؛ اما کمیسیون بیکاران این قطعنامه‌ها و تصمیمات پرولتاریا را نادیده گرفت.

بیکاران شکیبایی خود را از دست دادند و خشمشان برانگیخته شد. کم‌کم ناحیه‌ها خواستار آن شدند که شورا گامهای موثرتری برای واداشتن دوما و کمیسیون اجرایی بعمل، بردارد. شورای بیکاران سعی کرد گروههای بیکاران را از انجام حرکات تحریک آمیز انفرادی بازدارد. در عین

شورای بیکاران ۴۷
حال برای فشار به دومای شهر، هرآنچه میتوانست انجام داد،
روحیه حاکم در نواحی طوری بود که شورای بیکاران مجبور
شد اعلامیه‌ای بین تمام کارگران سن بطرز سورگ بخش‌کند و
آنها را به آرامش دعوت کند. این اعلامیه روز دهم ژوئن
۱۹۵۶ منتشر شد. در این اعلامیه شورا گفت:

" شورای بیکاران از توده‌ها پنهان نمیکند که دوما
صرفاً " دارد طفره می‌رود. تنها دارد با بیکاران بازی میکند
و به هیچ روی قصد وفا کردن به وعده‌های خود را ندارد.
اما شورا تماس خود را با دوما قطع نکرده است. زیرا قطع
تماس با آن، یعنی بازیچه قرار گرفتن دست‌آنهائی که
میخواهند کارگران را به انجام اعمال بیموقع تحریک نمایند.
این درست همان چیز است که دشمنان طبقه کارگر و تشنگان
خون پرولتاریا منتظرش هستند. در حال حاضر تحریک بیکاران
به آخرین حد خود رسیده است. وزیر کشور دستورات ویژه‌ای
به دوما و اعضاء انجمن شهر داده است که امتیازی به
بیکاران ندهند. اهدافش کاملاً روشن است: تحریک بیکاران
به انجام اعمال بیموقع در زمانی که رفقای شاعر آماده
کمک به آنان نیستند و البته دوما آماده است آنچه را
وزارت کشور از او میخواهد انجام دهد. بهر حال، ما اجازه
نخواهیم داد که دوما باز تحریک کند، ما خوبی میدانیم
که منظره " خون کارگران، دشمنان ما را نمیرساند، بلکه
به آنان شادمانی می‌بخشد. ما این را خیلی خوب میدانیم
و اعمال غیر معقولی انجام نمیدهیم که به آنها که خون
ما را میخواهند امکان دهد دستهای خود را به هم بمالند
و بگویند نیرنگ ما کارگر شد. کارگران این درس را بزودی
فراموش نخواهند کرد. سرعت بهبود خواهند یافت، سازمان
دهی خود را سرعت تجدید خواهند کرد. ما به محرکین این
لذات را نخواهیم داد. هیچ عمل حادی تا زمانی که شورای
بیکاران نگوید انجام نخواهد گرفت. این مقررات را همه "

۴۸ شورای بیکاران —————
بیکاران باید رعایت کنند. اما شورای بیکاران در و خامت
اوضاع، بموقع چنین قدمی هم برخواهد داشت. و آنرا تنها
در ارتباط نزدیک با توده‌های کارگر انجام خواهد داد.
زمانی که پیش‌نویس اعلامیه شورای بیکاران خواننده
شد، جناح‌هایی از شورا که آنارشیت‌تر و دارای روحیه
سوسیال رولوسیونر بودند، ناراضی شدند. آنها معتقد بودند
که اعلامیه باندازه کافی قاطع نیست. انشعاب شد. آنها
خواستار آن شدند که شورا گام‌های قاطع‌تری بردارد، دوما
را مجبور کند، غیره و غیره، اما پس از رای گیری، گرد و
خاکی که بوسیله سوسیال - رولوسیونرهای هرج و مرج طلب
بلند شده بود، فرو نشست.

بیکاران برای سومین بار به دوما حمله می‌کنند

شورای بیکاران تصمیم گرفت هیاتی به دوما اعزام
دارد و این تصمیم را کاملاً مخفی نگهدارد. بیکاران در ۲۱
ژوئن جلسهای تشکیل دادند و یک هیات ۸ نفره انتخاب
کردند. از هر ناحیه ۵ نماینده از بیکاران و ۵ نماینده
از شاغلان.
قرار شد هیات نمایندگی بدون همراهی توده‌ها برود و
جواب روشن و قطعی از دوما در این مورد که آیا بله خواهد
بود یا نه، بگیرد.
در ساعت ۲ بعد از ظهر ۲۱ ژوئن یک هیات ۷۵ نفره جمع
شدند و به سمت دوما حرکت کردند. این هیات به دو گروه
با تعداد تقریباً مساوی تقسیم شد، هر یک دارای یک رهبر
برای هدایت و رهنمود دادن به گروه بود.
دبدار از دوما به این ترتیب طرح رهبری شده بسود:

قرار بود هر دو گروه بطور همزمان، اما از درهای مختلف به داخل تالار دوما سروند و درخواست نمایند که اعضا انجمن شهر به (سخنان) نمایندگان هیات گوی دهند. بعدا هیات (به نمایندگان) ماموریت خواهد داد که همان زمان و همان جا مذاکرات را انجام دهند. قرار بود اگر اعضا انجمن شهر بطرف درها فرار کردند، هیات از خروج آنها جلوگیری کند و با لحن بیخه شوخی بگوید: " نترسید، فرار نکنید!"

قرار بود گروه اول از مدخل خزانه داری، از در راست وارد شود و گروه دوم به داخل تالار الکساندر راه پیدا کند و از در چپ وارد تالار اجتماعات شود. قرار بود هر دو گروه سی سر و صدا و همزمان، با نظم کامل، در حالی که رهبران پیشاپیش آنها حرکت میکنند وارد سالی شوند. گروه های نمایندگی، در حالی که هر دو در خروجی دوما را سد کرده اند، باید در جلو تریبون دوما به هم برسند. نمایندگان آنان باید برای دوما سخنرانی کنند و تمام سخنرانیها باید با این سؤال تمام شود: آیا به کارگران بیکار کار همگانی وعده شده را خواهید داد یا نه؟

اگرچه گروهی که قرار بود از در سمت چپ، از تالار الکساندر وارد شود یک دقیقه دیر کرد، ولی این طرح واقعا موفقیت آمیز بود. یک در بدون نگهبان مانده بود و اعضا انجمن شهر خواستند سریع از این فرصت استفاده کنند. به محض اینکه آنها متوجه ورود حدود ۴۰ نفر از در سمت راست شدند، رئیس دوما ختم جلسه را اعلام کرد و همگسی بطرف در سمت چپ هجوم بردند. اما در همان لحظه گروه دیگر در تالار الکساندر ظاهر شد و وارد اجتماعات دوما گردید.

اعضا انجمن شهر در یک نقطه ازدحام کردند. دیشما، رئیس دوما، مدال رسمی خود را باره کرد و از جایگاه

۵۰ سوارای بیکاران ————— خود دور شد. شهردار مبحواست، دسالش راه سیفتد. نمایندگان با آنها صحبت کردند و از آنها خواستند که نترسند، آنها گفتند: " ما بعنوان نمایندگان کارگران سن پترز بورگ و با این درخواست نزد شما میآئیم که شما به وعده خود وفا کنید و به ما بگوئید آیا کاری وجود خواهد داشت یا نه؟ فرار نکنید. ما به شما دست نخواهیم زد."

اما اعضاء انجمن شهر گوش نمیدادند. آنها از مقابل هیات نمایندگی گذشته و وارد تالار الکساندر شدند و در حالی که یکدیگر را هل میدادند با فشار بطرف در رفتند. نمایندگان کارگران به دنبال آنها روانه شدند.

هنگامی که اعضاء انجمن شهر دریافتند تنها همین ۷۵ نفر هستند و عده بیشتری آنها را همراهی نمیکنند، قدری آرام شدند. حتی بعضی از آنان با اعضاء هیات نمایندگی شروع به صحبت و سؤال کردند. اما نمایندگان حاضر نبودند بصورت فردی با آنها صحبت کنند. به نماینده از هیات پیشنهاد مذاکره با رئیس دوما را کرد، اما دیشما، کاری با آنها نداشت. بالاخره بعضی از اعضاء انجمن شهر او را متقاعد کردند که به (سخنان) هیات گوش بدهد و دیشما پرسید " آقایان از دست من چه کاری ساخته است؟ "

نمایندگان کارگران پاسخ دادند که آنها از طرف بیکاران آمده اند که از دوما سؤال کنند بالاخره چه زمانی کار همگانی وعده شده به بیکاران شروع خواهد شد؟ و مکالمه زیر صورت گرفت:

دیشما: " شما باید به من یک بیانیه کتبی میدادید و من آنرا جلو دوما میگذاشتم."

هیات: " ما به این جهت نزد شما آمده ایم که بیانیه های کتبی قبلا ارسال شده و کار پیش نرفته است. شما میتوانید منتظر شوید، اما گرسنگی انتظار سمرش نمیشود."

شهر را کتک میزنند.

فرماندار گفت: "اگر اعضاء انجمن شهر خود را در حضر نمی بینند و مایل به دستگیری کارگران نیستند، او با مرخص کردن پلیس موافقت خواهد کرد."

طرف پنجم یا ده دقیقه تمام نیروهای مسلح عقب نشینی کردند. پس از آن طی گفتگوی مسالمت آمیزتری دوما با ما به توافق رسید. دوما موافقت کرد که چهاردهم ژوئن یک هیئت نمایندگی از شورای بیکاران را بپذیرد، اما یک هیئت کوچک را.

آن روز کمیته اجرایی شورای بیکاران تصمیم گرفت هیئتی چهارده نفره مرکب از دو نماینده از هر ناحیه اعزام دارد و تنها دو تن از آنان در دوما صحبت کنند. هیات ماموریت داشت که ماهرانه مذاکره کند و بهانه ای برای بهم زدن جلسه دوما به صدایاها ندهد.

هنگامی که هیات نمایندگی در رور مونسود در دوما حضور یافت، بیانیه ای را که قبلاً با نظر موافق شورای بیکاران تهیه شده بود با خود همراه داشت. در این بیانیه چنین آمده بود:

"بیکاران سن پترزبورگ مایلند بمطور برررسی پیشرفت امر ایجاد کار همگانی و ارائه گزارش بازهای خود هیئتی مرکب از دو نفر از هر ناحیه به چند دوماهای شهر اعزام دارند. بیکاران در عین حلیب توجده شهردار به این مسئله، اعلام میدارند که برای شهردار مطلقاً "صروری است که هیئت نمایندگی آنان را بپذیرند و در جلسه دوماهای شهر سخنان آنان را استماع نماید."

دوما پس از شنیدن متن بیانیه تصمیم گرفت به سخنان نمایندگان گوش فرا دهد، اما تنها بصورت نامتطلاح متحصصین*.

* شاید منظور اینست که به بعنوان کسانی که حسی تصمیم گیری دارند. (مرجم)

۵۲ شورای سیکاران
هنگامی که یکی از افراد منتخب (هیئت) برای سخنرانی در برابر دوما، به تریبون نزدیک میشد، دیشما او را متوقف کرد و از او خواست که از همان پائین صحبت کند. به ما برنخورد و موافقت کردیم که حرف خود را از همان پائین بزنیم.

اولین سخنران گفت: " دوما خیلی وعده داده است، اما تا بحال چیزی در عمل ندیده ایم. دوما از بیکاران ثبت نام کرده است، بیکاران تصور کرده اند ثبت نام برای کار است، اما از کار خبری نیست. تنها نتیجه ثبت نام این شده که حالا پلیس و تمام جاسوس ها میدانند تعداد بیکاران شهر چند نفر است. کمیسیون تدارکاتی دوما مدتی طولانی روی پروژه کار همگانی مطالعه کرد، بیکاران تصور کردند کار خواهند داشت، اما تاکنون از کار خبری نبوده است. و در شهر مانند گذشته کار بین مقاطعه کاران دست به دست میشود. پلیس محلی را که در آن تشکیل جلسه میدادیم، تعطیل کرد. ما حلماتمان را در خارج شهر برگزار کردیم، ولی ما را از آنجا هم راندند و دستگیرمان کردند. ما را دارند از خانه هایمان بیرون میکنند، ناها رخوری ها دارند تعطیل میشود. این تنها چیزی است که از دوما دیده ایم. آیا بالاخره کار همگانی ایجاد خواهید کرد یا نه؟ شما ما را فریب داده اید، شما ما را تحمیق کرده اید. کسانی که شما تحمیق شان کرده اید ما را برای اتمام حجت اینجا فرستاده اند آیا کار همگانی را شروع خواهید کرد یا نه؟

سخنران بعدی به نحوی دیگر روی همان سائل تاکید کرد و همان سؤال را تکرار کرد، " آیا شما کار همگانی را شروع خواهید کرد یا نه؟ " سپس سخنران سوم صحبت کرد. او از طرف کمیته اجزایی ماموریت داشت به دوما در مورد عواقب احتمالی امتناع دوما از ایجاد کار همگانی

دیشما : " با این همه ، من شما را به جلسه نخواهم بدرسم . این غیرقانونی است . "

اتهام مسلح شدن به کارگران

در حالی که گفتگوها جریان داشت ، یک نفر که متوجه شده بود دوما به محاصره پلیس ، سرباز و قزاق در آمده ، بطرف وزیر کشور یورش برد و از او توضیح خواست . به نظر میرسید که فرماندار شهر به اطلاع وزیر رسانده بود که کارگران مسلح به چماق و دیگر سلاحها در دوما پیدایشان شده ، دوما را محاصره کرده و مشغول کتک زدن اعضاء انجمن شهر هستند .

این گزارش تلفنی به شهرداری رسیده و کدرس آن را برای حاضرین تکرار کرده است . این امر باعث خنده فراوان شد . ما بلافاصله حدود ۲۵ عضا و چتری را که با خود حمل میکردیم جمع آوری کردیم ، آنها را شمردیم و به اعضاء انجمن شهر تحویل دادیم . اما آنها از گرفتن این اشیاء خودداری کردند .

ما با خنده گفتیم : " نه ، ما سلاحهای خود را تسلیم نمکنیم " به مقامات مسئول اطلاع دهید که نمایندگان پرولتاریا در دومای شهر خود را خلع سلاح کرده اند " و رفقای ما چترها و عصاهای خود را به عضو کمیسیون دادند . تا آن موقع ، رئیس پلیس ، چند افسر پلیس و یک گروه پلیس در تالار الکساندر ظاهر شده بودند . دوما شبیه یک اردوگاه نظامی شده بود . هیچکس حق نداشت که خارج یا داخل شود . شورای بیکاران برای بررسی اوضاع در گوشه ای اجتماع کرد . و بالاخره تصمیم گرفت که نه آنجا را ترک کند و نه وارد هیچگونه مذاکره ای با اعضاء انجمن شهر شود ، مگر

۵۲ شورای بیکاران
اینکه پلیس از تالار خارج شود و به حرفهای هیات گوش داده شود.

محددا " یکی از افراد هیئت برای پرسیدن علت احضار پلیس نزد وزیر و فرماندار رفت. چند تن از اعضاء لیبرال انجمن شهر شروع به سرزنش دیگران کردند. به کارگران اشاره کرده، گفتند:

" ببینید نمایندگان چگونه مراقب رفتار خود هستند. نه یک حرف اضافی میزنند و نه یک حرکت اضافی میکنند. و در این بین خدا میداند امروز چه میگذرد. یک دارالمجانین واقعی، ما باید از فرماندار بخواهیم بیدرنگ پلیس را بیرون کند."

اعضاء انجمن شهر برای مدتی طولانی بین خود نزاع داشتند. منکر خبر کردن پلیس بودند، اما ما بهتسرس مدانستیم. نمایندگان ما با لحن نیمه شوخی، اما صریح به آنها گفتند: شما همگی دروغ میگوئید شما خودتان پلیس را خبر کرده‌اید و حال انکار میکنید."

اعضاء انجمن شهر اصرار داشتند که شهردار و دیشما، رئیس انجمن شهر، از فرماندار بخواهند که پلیس و نگهبانان را از دوما ی شهر خارج کنند. شهردار و دیشما گفتند که بلافاصله از پلیس خواهند خواست که دوما را ترک کنند. هیات نمایندگی پاسخ داد که از آنها بخواسته است که اینرا بخاطر هیئت بکنند، بلکه بخاطر خودشان است تا بعداً از خود شرمیده نباشند.

هیات ما اضافه کرد: " اما ما یک درخواست از شما داریم، جلسه خود را ادامه داده و به سخنان ما گوش دهید."

شهردار و دیشمای رئیس نزد فرماندار رفتند و از دفترش به ما اطلاع دادند که فرماندار شنیده است که جمعی از کارگران بزور داخل دوما شده‌اند و دارند اعضاء انجمن

هتدار دهد. اس سحرانی موجب اعراض اعضاء انجمن شهر شد.

سخنران یکی از نمایندگان بیکاران گفت: "آقایان اعضاء انجمن شهر، برای دومین بار با شما سخن مگوئیم، از ۱۲ آوریل تاکنون ما در کمیسیون نما کار کرده ایم، کار کرده ایم تا نیازهای بیکاران را برطرف سازیم. ما اسکن نیازها را درک میکنیم، چرا که خود آنها تجربه کرده ایم. شما احتیاج دانش را تجربه نکرده اید و نمیدانید چیست. چرا ما برای دومین بار با درخواست کمک برای بیکاران نزد شما میآئیم؟ ما، آگاهترین کارگران انقلابی هستیم. ما علیه آنان که شما در خدمتشان هستید بیکار کرده ایم. ما در راه این مبارزه رنج برده ایم و این مبارزه را تا به آخر ادامه خواهیم داد. ما میدانیم برای پایان دادن به بیکاری چه کار باید کرد. اما توده ها بعنوان یک مجموعه نمیدانند. بیکاری آنان را بدزدی و قتل می کشاند. شما از این میترسید. من نمیخواهم با این حرف ها شما را بترسانم. ما پیشاهنگان کارگران هم، از آن می ترسیم. شما برای خودتان، برای ثروتتان میترسید، ما برای قدرتتان میترسیم، زیرا چنین چیزهایی ما را تضعیف میکند، صفوف ما را در هم میریزد. شما به بیکاران قول داده اید، نه به این دلیل که این را حق آنان میدانستید، بلکه بخاطر وحشتی که از آنان داشتید. ما این را بخوبی میدانیم، اما ما آن کمک را بذرفتیم ما وعده های شما را برای شروع کار همگانی به همکاران کارگر خود ابلاغ کردیم. اما از آنجا که شما کارگران را فریب داده اید، ما نمیخواهیم مانند شما جنایتکار جلوه کنیم. اگر شما اکنون این کار را به بیکاران ندهید، اگر تلاشی برای شروع کار همگانی نکنید، ما به تمام توده بیکاران خواهیم گفت که آنها ما را به دروغ امیدوار کرده بودند. باید به ما بگوئید که آیا

۵۶ شورای بیکاران
کار همگانی را شروع خواهید کرد یا نه؟

اطلاق برار سر و صدا و هیجان شد. اعضا، انجمن شهر همگی با هم فریاد زدند. افراد صد سیاه ها غریبند. "اوه، سما برای برپا شدن ما آمده اید!" رئیس رینگ خود را به صدا درآورد. او چندین بار سخنران را منوفا کرده بود، اما یکی از نمایندگان سما پس از اتمام سخنرانی نمازنده قلبی، کاغذی برداشته شروع به خواندن خواستها کرد. رئیس ناگهان حرف او را قطع کرد و اظهار داشت که دوما به خواستها گوش نخواهد داد. سخمران ما گفت میخواهد چند "نکته" را بگوید و شروع کرد به خلاصه گفتن خواستها، بدون اینکه رئیس اعتراضی کند.

۱ - اتحاد فوری کار همگانی

۲ - شرکت دادن نمایندگان کارگران در کمیسیون اجرایی و کمیسیون ارتباطات.

۳ - گسترش اختیارات کمیسیون اجرایی و تفویض حقوق رزر به آن.

الف. صدا کردن کار جدید برای بیکاران

ب. پاسخ به نیازهای فوری بیکاران از طریق کمک به پرداخت اجاره، از گروه در آوردن اسباب بازی و غیره.

۴ - اختصاص فوری مبلغ مورد نیاز برای پاسخگویی به نیازهای تمام بیکاران سس بطرز سوگ.

۵ - برگزینی فوری جلسهای از بیکاران و نیز جلسهای ناحیه‌ای و احیای اقداماتی برای آزادی ۲۵۰ کارگری که بخاطر شرکت در جلسات بیکاران زندانی شده‌اند.

پس از آنکه نکات فوق قرائت شد، دینما از کارگران خواست تالار را ترک گویند. هنگامی که با این درخواست

موافقت کردیم. اعضا انجمن شهر زیر فشار لیبرالها تصمیم گرفتند به ما اجازه دهند به هنگام اخذ تصمیم (دوما)، علیرغم این حقیقت که دینما از ما خواسته بود که تالار را ترک کنیم، ما پشت مسئله‌ها بنشینیم.

اعضا انجمن شهر شروع به بررسی حواست‌های ما کردند. بعضی پیشنهاد رای مخفی دادند، اما آنها مترسیدند از طریق رای گیری تصمیم بگیرند. پس از بحث، دینما، رئیس دوما این سؤال را مطرح کرد:

"آیا دومای شهر با پذیرفتن پیشنهاد مربوط به کمیسیون تدارکات یعنی ایجاد کار و دادن پول موافق است؟"

هیچک از اعضا انجمن شهر نتوانست با پیشنهاد بیان شده موافقت نکند. نمایندگان کارگران که دور و بر میله‌ها می چرخیدند، از نزدیک شاهد رای گیری بودند. چهارده حفت چشمی که از خشم و نفرت برق میزد، به این فرما سرواگان شهر دوخته شده بود. بسیاری از اعضا انجمن شهر هراسان به آنها نگاه میکردند، دو نفر از اعضا انجمن شهروایسته به صدسیاه‌ها برخاستند. رفیقی از آنان پرسید:

"آیا شما مخالفید؟"

اما اعضا انجمن شهر در حالی که برده‌های بلند دوما را نگاه میکردند و کسی را نمی دیدند که از آنان پشتیبانی کند، نتایزده گفتند: "نه، نه، ما موافقم، موافقم، پیشنهاد کمیسیون برای کمک به بیکاران."

تصمیم گرفته شد در مورد مسئله کمک به بیکاران اقدام شود. قطعنامه زیر به تصویب رسید:

۱ - اختصاص مبلغ ۲۶۰،۰۰۰ روبل در تابستان برای نگهداری ناها رخوریه‌های بیکاران و کمک به آنان برای پرداخت اجاره.

۲ - تمویق فروش اموال در گروه مانده بیکاران برای مدت

- ۳ - تعهد شهردار به اینکه به وزیر کشور پیشنهاد کند مخارج اضافی دادن کار به بیکاران و تامین غذا و سایر مایحتاج آنان از خزانه عمومی پرداخت گردد.
- ۴ - تعهد شهردار به شروع مذاکرات لازم برای پرداخت مخارج نگهداری ناهارخوریها برای بیکاران.

به این ترتیب پول گرفته شد و بلافاصله اجازه داده شد که اولین کار همگانی، بالا آوردن بندر هالرنا، برای جلوگیری از فرو رفتن آن، آغاز شود.

ایجاد کار

پس از دیدار ما از دوما در چهاردهم ژوئن، ایجاد کار همگانی بطور قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرد. دولت بسبب دلایل سیاسی متعددی نمیخواست یک تشکیلات بزرگ پرولتری، مانند تشکیلات ما را تحریک کند و لذا به افراد مدسیاه‌های دوما دستور داده بود امتیازاتی مانند پول برای غذا، اجاره و سایر احتیاجات بیکاران داده شود. کمیسیون اجرایی مأمور ایجاد کار همگانی شد. اما این به معنای پایان کار نبود. ما مجبور بودیم همچنان روی اعزاء دوما فشار آوریم و از این طریق بود که به هدف خود نزدیکتر شدیم.

سطح بندر هالرنا، ناحیه‌ای که در معرض سیل بنود، باد در بعضی نقاط نیم متر و در نقاط دیگر، به میزان بیشتری بالا می‌آمد. اگر برای این کار از ماشین استفاده نمی‌شد، حدود هزار کارگر صاحب‌کار میشدند. ما دقیقاً چنین کاری را در نظر داشتیم، یعنی کار یدی. این کار که

۵۹ — شورای بیکاران
حدود ۱۰۰۰ نفر را متغول میگرد، اوایل پائیز شروع شد، بعد ما برای ساختن قسمت‌هایی از پل و دیگر ساختمان‌های فلزی روی اسکله، کابریسمسلی سمت سن بطرز بزرگ، کارگاه‌هایی ایجاد کردیم. ما در این کارگاهها ۱۵۰۰ کارگر را در دو شیفت به کار گماردیم. اخراج شدگان بیکار که خود را یک مجموعه متحد نشان داده بودند و رهبران حسیتر بیکاران بودند، در این کارگاهها متمرکز شدند.
در اواخر سال ۱۹۵۶، ما چند کار دیگر از جمله سنگ فرس روی پلهای پانته لی مونسکی، مخائیلوسکی و وارشاوسکی را شروع کردیم.

تمام پرولتاریای سن بطرز بزرگ جریان امر کار را از طریق شورای بیکاران و همچنین شوراهای ناحیه‌ای دنبال می‌کردند و تقریباً هر روز گزارش آن را به سحت مگدانند و رهمودها و نکات تازه‌ای را طرح می‌کردند. در مدت دو سالی که کار همگانی ادامه داشت، کارگران سن بطرز بزرگ برآستی سازماندهی شدند و طرحهای صنعتی را هدایت کردند. برای انجام آن افرادی را تعیین می‌کردند، مطمئن هستند که بهترین افراد را در اختیار دارند، بر انجام کارها نظارت می‌کردند. خلاصه، زندگی صنعتی خود را می‌گذرانند و سعی می‌کردند سطح تولید را تا حد لازم بالا ببرند. هنگامی که کار همگانی داشت از هم می‌پاشید - زیرا فوق العاده گران از آب درآمد و نتوانست با سایر شرکتها رقابت کند - شورای بیکاران مسئله را طرح کرد و از ماکه مدیریت کار را برعهده داشتیم، خواست که بیسیم چگونه میتوان سن هزینه انجام کار و بازده آن تعادلی برقرار ساخت. کمیته نمایندگان اسکله کابریسمسکی طبق دستور کمیته اجرائی شورای بیکاران، شکلی از کار کمتراتی را که مفایرتی با منافع پرولتاریا نداشت، ارائه کرد. این امر امکان داد که هزینه ساختمان پل را از هر واحد ۲

۶۰ شورای بیکاران —————
روبل و ۸۰ کوپک نفلیل دهیم. با هشت ساعت کار روزانه و سازماندهی کار توسط خود ما، یعنی کمیته نمایندگانی که کار را به نام شورای بیکاران هدایت میکرد، اس امسر نفیبا " موفقیت بزرگی بود.

صرفه جوئی چندین هزار روبل توسطه پرولتاریای سن پترزبورگ ارزش آموزشی زیادی برای توده های کارگر سن پترزبورگ داشت و اکنون میتوانیم بگوئیم که بسیاری از رهبران فعلی دولت شوروی * و صنعت شورائی، اولین درس عملی خود را از این کار گرفتند. مسئله تولید، رهبری فنی و غیره، مسائلی که هرگز تحت شرایط دیگری طرح نمیشد، برای اولین بار بصورت مسائل عملی پرولتاریای سن پترزبورگ در آمد.

به علاوه، کار همگانی به ما کمک کرد اتحاد پرولتاریا را در زمانی که ارتجاع، ساهتر از هر زمان دیگر بود، حفظ کنیم و آموزش انقلابی آن را به پیش بریم. ما با ایجاد شورای بیکاران اعتصابات موفق را برگزار کردیم کسه تحلی روحیه توده های پرولتری بود و آگاهی طبقاتی آنان را ارتقاء میداد.

در یک کشور سرمایه داری، در دوران ارتجاع، اخراج و بیکاری، خصومت وحشیانه ای میان شاغلان و بیکاران ایجاد میشود. در این دوران، در طول دو سال موجودیت شورای بیکاران ما سرانجام موفق شدیم همه آثار خصومت را از میان برداریم. تشکلات بیکاران در طول دو سال موجودیت خود در زمینه مسائل صنعتی و اقتصادی به پرولتاریا آموزش عمیق داد. این تشکیلات که رهبران بسیاری تربیت کرد، نه تنها به آنان سازماندهی تولید، هدایت آن و کسب موفقیت را آموخت، بلکه به آنان چگونگی بیکار - با وجود مشکلات

■ به تاریخ نگارش جزوه توجه شود

روزمره - علیه سرمایه داران را، حتی در پست مسز مذاکره،
سپاس داد. به آنان آموجح چگونه خط انقلابی صحیح و مسفل
خود را حفظ کنند و به اهداف طبقاتی حوضی باثل آسند.

در طول سیمه دوم سال ۱۹۵۷، ارنجاج باز هم سهاهتر
شد. اکثر کارگران حرب ما دستگیر شدند، و آنان که خود
را از حلقه محامیرد اسولیمینی بیرون انداختند، به
خارج گریختند، و در اسارت با آزادی، شاهد کاهش عظیم
فعالیت انقلابی شدند. مورد شورای بیکاران سیمه حوضی
از شرایط موجود بود. اکثر ما، سارماندهاان و رهبران
شورای بیکاران، و کار همگانی شهر نبر دستگیر یا محضی
شدیم. تمام فعالیت های بیکاران سس بطور سوری رو به
ضعف گذاشت. بعضی از بیکاران حزب کارخانه های سس بطور
سورگ و سهرهای دیگر شدند.

در سیمه اول سال ۱۹۵۸، در زندان مطلع عدم کسه
دولت نزار کار همگانی را تعطیل کرده است. اما همگام
اقدام به سنن کارگاههای عمومی در اسکله کائرسکی،
عبان ترسده اند که پین از شروع کار زاندارمها، یک گروه
سک توپخانه برای شرایط اضطراری فراخوانده شده است.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

منتشر شده است :

(۱) : تاریخچه اول ماه مه

تاریخچه حسین گارگری (۱۲)



از انتشارات :

سازمان چهرگیهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

قیمت ۴۵ ریال